



آشنایی با ملت بلوچ و بلوچستان ایران



تہیہ و تنظیم : اسلم حسین زہی

کانون صنایع دستی و هنرهای تزئینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

همه جستجوگران دانش تا که بر علم آنها نیز بیش تر
پیش افزوده شود باشد که (ستگار شویم).

چکیده

ملت بلوچ و سرزمین بلوچستان آن چنان داری فرهنگ غنی و قدمتی
چنیدین و چند ساله می باشد.

که هر چه در باره اش نوشت باز هم مثالِ قطره و دریا خواهد بود.
آن چه در مورد ملت بلوچ و بلوچستان در این پژوهش نوشته شده است
مطالب مختصری می باشد که به طور خلاصه جمع آوری شده است .
باشد که تا با مطالعه آن آشنایی کلی با مردم بلوچ و سرزمین بلوچستان
حاصل شود.

دانشجو: اسلم حسین زهی

Email: A.hosanzahee@yahoo.com

فهرست مطالب

صفحه

عناوین مطالب

❖ بخش ۱- آشنایی با ملت بلوچ

۱	 بلوچ
۳	 نژاد مردم بلوچ
۶	 زبان بلوچی
۱۰	 فرهنگ و هنر بلوچ
۱۱	 ۱- میار جَلّی
۱۱	 ۲- قول
۱۱	 ۳- مهمان دوستی
۱۲	 ۴- حَشَر و مَدَد
۱۲	 ۵- بَجَار
۱۳	 ۶- چَنَدَاء
۱۳	 ۷- بیر
۱۴	 ۹- دیوَان
۱۵	 ۱۰- پَتَر
۱۵	 ۱۱- پوشاک
۱۷	 سوالات فصل یک

❖ بخش دوم (آشنایی با بلوچستان ایران)

۱۸	 دلیل نامگذاری بلوچستان
۲۰	 تاریخچه مختصری از بلوچستان
۲۱	 بلوچستان کنونی که در ایران واقع شده است
۲۲	 جغرافیای استان
۲۴	 شهرستان های استان سیستان و بلوچستان
۲۴	 شرح شهرستان های این استان
۲۴	 ۱- ایرانشهر
۲۴	 ۲- چاه بهار
۲۵	 ۳- خاش
۲۵	 ۴- دلگان
۲۶	 ۵- زابل
۲۶	 ۶- زاهدان
۲۷	 ۷- زهک

۲۷	۸- سراوان
۲۷	۹- سرباز
۲۸	۱۰- سیب و سوران
۲۸	۱۱- فنوج
۲۸	۱۲- قصرقند
۲۹	۱۳-کنارک
۲۹	۱۴- مهرستان
۳۰	۱۵- میرجاوه
۳۰	۱۶- نیک شهر
۳۱	۱۷- نیمروز
۳۱	۱۸- هامون
۳۲	۱۹- هیرمند
۳۲	آب و هوا
۳۴	منابع طبیعی
۳۵	معادن سیستان و بلوچستان
۳۵	گونه های جانوری در سیستان و بلوچستان
۳۶	مناطق حفاظت شده سیستان و بلوچستان
۳۷	مکان های تاریخی و مذهبی
۴۰	اقوام و مردم بلوچستان
۴۲	صنایع دستی
۴۲	سوزن دوزی
۴۴	سکه دوزی
۴۴	سفالگری
۴۵	زرگری
۴۶	غذای خاص مردم بلوچ
۴۶	چنگال
۴۷	تنورچه یا ترون چه
۴۸	تباهگ
۴۸	دوغ پا
۴۸	ترشیجات یا چتتی
۴۹	اوضاع اقتصادی
۵۰	وضعیت تحصیلی استان
۵۱	سوالات فصل دوم
۵۲	پایان
۵۳	فهرست منابع و مآخذ



بلوچ

بلوچ ها، یکی از اقوام اصیل ایرانی تبار ساکن در ، ایران، پاکستان ، افغانستان و بسیاری از کشورهای آسیایی پراکنده هستند. این قوم ، به زبان بلوچی که یکی از زبان های اصیل باستانی (شاخه شمال غربی زبان های ایرانی) است ، سخن می گویند.

درمورد واژه ی « بلوچ » ومعنا ومفهوم آن ، نظریات گوناگونی ارایه داده شده است. واژه ی «بلوچ» ونام بلوچ را نخستین بار در نوشته های جغرافی نویسان اسلامی قرن چهارم ، مانند ابن حوقل، استخری، مسعودی، سیستانی ، مؤلف حدود العالم و.... همراه با کوچ می بینیم.

این دانشمندان ، کوچ و بلوچ را دو طایفه میدانند که در سرزمینی مجاور هم در دشت جنوبی مکران و دامان کوهستان بشاگرد و اطراف جیرفت می زیسته اند. بسیاری از نویسندگان معاصر، « کوچ » «براهویی» هارا دانسته اند.

یکی ازدانشمندان به نام « بلیو» نام بلوچ را برگرفته از واژه ی « بالاجا » می داند. دانشمند دیگری به نام «هرتسفلد» نام بلوچ را برگرفته از رویهٔ مادی واژه ی « برازا- واچیا» (فریاد بلند) که در زبان پارسی باستان نیز بدین گونه است، می پندارد.

«گیلبرتسن» آن را برآمده از واژه ی سانسکریت «مالِچا» به معنی دون دین می داند.

جعفری واژه ی بلوچ را برآمده از به هم پیوستن دو واژه ی پهل (پهلوان) فارسی و اوچ (بلند) سنسکریت به معنی پهلوان بُرز و بلند بالا دانسته و نوشته که : جت ها که در زمان ساسانیان به بلوچستان آمدند و دراین دیار سکونت گزیدند. این افراد وقتی که افراد تازه از راه رسیده ای که دارای قد های بلند و بالاتر از خود را دیدند آنان را « بلوچ » نامیدند. « راولینسن » نام بلوچ را دگرگون گشته نام بلوص، شاه بابل دانسته و سایکس می نویسد که : این گروه چون در سرزمین کوسان در خاور کرمان می زیستند، کوسی و کوشی نامیده شدند و «کوش و بلوص» بعدا وبه تدریج به صورت «کوچ و بلوچ» در آمدند. صاحب کتاب برهان قاطع، معنای بلوچ را «تاج خروس» ذکر کرده است و چون برخی بلوچ ها یک سر دستار خود را مانند تاج خروس بر کلاه خود می نشانند، عده ای همین را باعث این نام می دانند. برخی می گویند بلوچ به معنای «پهلوان بلند قامت» است

نام "بلاش" که یک شخصیت باستانی ایرانی است نیز(گرچه معانی متعددی برایش ذکر شده) بدین معنا نیز آمده است احتمالا بالاچ، این اسم کهن بلوچی، همان بلاش (ولخش=والا- خشیه)، که به معنی شاه و پهلوان بلند اندام است می باشد.

برخی می گویند بلوچ از دو کلمه بُر و لَچ تشکیل یافته است، بُر به معنی بیرون - دشت جلگه، و لَچ به معنی لخت، لوت و برهنه است. برلچ مردمی را گویند که در دشت لخت و بیابان برهنه یعنی سرزمین کویری و بایر، زندگی می کنند. مردمی که دشتی یا به گفته ی نویسنده ی کتاب برهان قاطع، صحرائی هستند.

برای نخستین بار با نام بلوچ، هنگامی برمی خوریم که آنان در سده چهاردهم هجری در دشت جنوبی کرمان و دامان کوهستان بشاگرد زندگی می کرده اند. پژوهشگران محل سکونت اولیه قبایل بلوچ را شمال ایران و نواحی شرقی دریای خزر میدانند و نظرقاطع بیشترشان این است که: بلوچ ها از اقوام آریایی هستند که پس از گذشتن از نواحی شمالی به نواحی جنوب آمده اند.

نزدیکی و تشابه زیاد زبان بلوچی با زبان باستانی اقوام هند و اروپایی، این حقیقت را تایید می کند. همچنین سنجش هایی که دانشمندان نژاد شناس با اندازه گیریهای مکرر از طول بدن، در حال

نشسته و ایستاده و طول و عرض سر، پیشانی، گونه ها و تناسب بین گونه ها، عرض فکین، پهنای و درازا و بلندی بینی، درازای گوش، طول و عرض تمام صورت افرادی که از همه قبایل و طوایف به منظور گروه بندی نژادی ملل کرده اند، معلوم نموده اند.

که مشخصات نژاد بلوچان و آریایی ها کاملاً یکسان است و بی گمان بلوچ ها از آنان جدا شده و در زمانهای گذشته، به جنوب آمده و در دشتهای دامنه های کوههای این سرزمین بلوچستان پراکنده شده اند.

نژاد مردم بلوچ

مردم بلوچ از نژاد آریایی هستند که مسکن اصلی آنها در کنار دریای خزر، ناحیه گرگان امروزی بوده است و بعدها به قسمت کرمان آمده و از آنجا به بلوچستان رانده شده اند. و چون به لحاظ موقعیت جغرافیایی، از تهاجم مغول و تیمور و اعراب و سایر اقوام به دور بوده اند، نژاد خود را به خوبی حفظ کرده و چهره های اصیل آریایی در میان آنها به خوبی مشاهده می شود. بیشتر پژوهشگران ایرانی و خارجی معتقدند: که نژاد ایرانی، خاصه نژاد بلوچ از زیباترین نژادهاست و علیرغم قرب و جوار با کشورهای پاکستان و هندوستان، از ساکنان آن مرز و بوم متمایز هستند و خطوط اصلی سیمای نجیب و قدیم خود را حفظ کرده اند. «اوژن اوبن» فرانسوی می گوید: در سلسه جبال غربی و جنوبی، کردها، لرها و بلوچ ها نمونه هایی از نژاد خالص ایرانی اند که کاملاً خالص و دست نخورده مانده اند. در باره ایرانی بودن بلوچ ها، شک و تردید نمی توان کرد، زیرا زبان و آداب و رسوم بلوچها نمایانگر ایرانی بودن آنهاست. اکثر نژاد شناسان و مردم شناسان از قبیل «برتن هنری فیلد» و «گرزن» و دیگران به دلایلی، ایرانی الاصل بودن آن ها را ثابت کرده اند.

برتن انگلیسی می نویسد: بلوچ هیچ شباهتی به فرزندان اسماعیل ندارد؛ چشمانش درشت و سیاه، مانند چشمان پارسی است. و بسان دیدگان عرب، ریز، ناآرام و آتشین نیست. بالایش بلند، خوش اندام، و ایرانی وار، ریشش انبوه و بلند است که خود نشانه ای از تندرستی است.

پروفسور «کین»، بلوچ ها را از نژاد تاجیک دشتی می داند. «کلنل دیمز» مسأله را از طریق علمی بررسی می کند و جمجمه بلوچ را از نوع پهن سران ایرانی می داند و می نویسد که جمجمه عرب و

هندی از نوع دراز سران است. او میگوید که اگر خصوصیات مغزی و جسمی بلوچ را در نظر بگیریم، باید او را ایرانی نژاد و مانند تاجیکان و دیگر مردمان فلات ایران بدانیم.

« هنری فیلد، مردم شناس آمریکایی در سال ۱۹۵۵ با اندازه گیری و عکس برداری بیش از ۲۰۰۰ نفر بلوچ در بلوچستان شرقی می نویسد : بلوچان پیوستگی نژادی با مردم ایران دارند. هیچ یک از افراد مطالعه شده، نشانی از نژاد زرد نداشته و بسیاری از آنها با مردم باختر اروپا پیوستگی نشان داده اند، البته در مواردی بسیار کم اثری از سیاه پوستان در آنها دیده شد و بررسیها نشان داده که آنها با مردم آن سوی هند پیوستگی نزدیکی دارند.

« سرهنری پیتنچر » معتقد است: که بلوچ ها از نژاد ترکمن می باشند.

ولی پروفیسور « را بین سون » می گوید ، بلوچ، برگردان فارسی بلوس است که پادشاه بابل بوده، با نمرود پسر کوش که در کتاب مقدس ذکر آن رفته، یکی است، بلوس و کوش به مرور ایام تبدیل به بلوچ شده است.

پژوهشگران بر این باورند که آریاییها در روزگاری بسیار کهن در دشت پامیر، آسیای میانه، ارمنستان، ارتفاعات کارپات، ساحل های رود دانوب پایین، آلمان، اسکاندیناوی و به بیان دیگر در شمال اروپا و آسیا زندگی می کرده اند.

بعدها یعنی حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد، در اثر زیاد شدن جمعیت و یا برخی علت های دیگر، از این سرزمین ها به مهاجرت پرداخته و هر دسته از آنان به جانی رهسپار شده و در آن اقامت گزیدند.

گروهی از این قبیله ها از راه خوارزم به سوی بلخ و پیرامون آن سرازیر شده و در حدود شرقی و شمال شرقی ایران کنونی ساکن گردید. بعدها همین گروه به سوی غرب پیش آمد و به شعب و قبایل گوناگون بخش شدند.

شاهان هخامنشی، بخش اعظم این سرزمین ها و اقوامی را که در آن زندگی می کرده اند به زیر فرمان خود درآوردند. در برخی از کتیبه های داریوش از جمله کتیبه ی بیستون که در آغاز سال ۵۲۰ پیش از زایش یه فرمان وی در صخره ای از کوه بیستون کنده شده از ایالت های ۲۳ گانه ی هخامنشی از جمله ماکا (بلوچستان) نام برده شده است.

براساس مستندات چنین معلوم می شود که قوم بلوچ، از اقوام آریایی جدا شده و پس از گذشتن از بخش های شمالی به ناحیه ی جنوب آمده است. در این مورد نزدیکی زبان بلوچی به زبان باستانی اقوام مادی، موید این نظر است. با توجه به بررسی و اندازه گیری های انجام شده توسط دانشمندان نژادشناس از درازای بدن همه ی طوایف و قبایل از جمله مردم بلوچستان، آشکار شده است که

مشخصات نژادی بلوچ ها و آریایی ها

کاملاً شبیه و یکسان بوده و در نتیجه

قوم بلوچ، ایرانی نژاد و همانند گرد، لر ،

فارس، آذری، تاجیک و... شعبه ای از

نژاد آریایی می باشند . فردوسی حماسه

سرای ایران ، در شاهنامه صریحاً می

نویسد که بلوچ ها در زمان انوشیروان

سرزمین گیلان را ویران و تباه ساختند،

از آن پس به سمت جنوب کوچانده

تصویری از خوانین بلوچ در دوره قاجار



شدند تا اینکه در سرزمین فعلی ساکن گشتند و قسمتی از سپاهیان کیخسرو را بلوچ ها تشکیل می دادند، که سربازانی جنگاور و دلیر بودند و در میدان جنگ هیچ گاه پشت به دشمن نمی کردند.

با توجه به مطالب مذکور چنین میتوان نتیجه گرفت که قوم بلوچ از روزگاران کهن، در سرزمین بلوچستان ساکن بوده اند و قدمت آنها به تاریخ مدون ایران می رسد. بنابراین باید قبول کرد که بلوچ

ها آریایی نژاد و به بیان دیگر ایرانی نژاد هستند و در این مورد نباید هیچگونه شک و دو دلی به

خود راه داد، زیرا بسیاری از باورهای بلوچ ها در حال حاضر نیز با باورهای آریایی ها هم خوانی

نزدیکی دارد و این را ده ها و بلکه صدها نویسنده ایرانی و خارجی نیز تأیید کرده اند، البته این را نیز

باید مد نظر قرار داد که بلوچ های ایران ، از آمیزش با اعراب و هندی ها و بسیاری از اقوام دیگر بی

بهره نبوده اند.

در حالیکه بلوچ ها از نژاد آریایی هستند و توانسته اند کمابیش در نقاط مختلف بلوچستان اصالت

خویش را حفظ نمایند.

زبان بلوچی

بلوچی زبان مردم بلوچ است. این زبان در جنوب غربی پاکستان، جنوب شرقی ایران، جنوب افغانستان، کشور های ساحلی خلیج فارس و نیز ترکمنستان مورد استفاده قرار می گیرد. این زبان از لحاظ ادبیات شفاهی دارای منابع غنی است.

داستان ها، حماسه ها، اشعار و سایر انواع ادبی سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده اند.

این زبان جزء خانواده زبان های هند و ایرانی است که در شاخه ایرانی قرار دارد. زبان بلوچی در دوره های متمادی تحت تاثیر زبان های مختلف بوده است زیرا این زبان تا به حال زبان رسمی هیچ کشور و یا ایالتی نبوده و زبان مغلوب بوده است. دلیل دیگری که زبان بلوچی از زبان های دیگر تاثیر پذیرفته است ارتباط مردم بلوچ با سایر اقوام در اطراف خویش است. زبان بلوچی از سه زبان فارسی، عربی و اردو تاثیر زیادی در سطح واژگان پذیرفته است. این زبان مانند هر زبان زنده ای در حال تغییر و تحول بوده است.

این تغییرات در برهه ای از زمان تند و در بسیار موارد کند بوده است. اما تغییرات در هر زبانی ضروری است تا آن زبان خود را با نیاز های گویش وران و تغییرات جامعه وفق دهد. زیرا مهم ترین کارکرد زبان ارتباط است. آنچه که در این نوشتار درباره ی آن بحث خواهیم کرد مسئله مدرن سازی زبان بلوچی برای برطرف کردن نیاز های گویش وران خویش است.

آیا زبان بلوچی توانسته خود را با شرایط محیطی و اجتماعی جامعه ای که در آن تکلم می شود وفق دهد؟ آیا گویشوران می توانند نیازهای زبانی خود را با این زبان بر طرف کنند؟ حال با روش های علمی به طرح مسئله و بیان جواب های مناسب برای سوالات مطرح شده خواهیم پرداخت.

فیشمن در بررسی مشکلات زبانی ملت ها آنها را به سه دسته تقسیم بندی می کند. دسته اول ملت های جدید در حال توسعه مانند کشورهای آفریقای شرقی هستند.

ملتهای قدیمی در حال توسعه مانند کشورها خاورمیانه در دسته دوم قرار می گیرند. ملتهای میانی دسته سوم را تشکیل می دهند که پاکستان را می توان در این دسته قرار داد. در این دسته بندی هر کدام از دسته ها دارای مشکلات و مسایل خاص خود هستند. مشکل کشورهای جدید در حال توسعه ایجاد و حفظ ادغام سیاسی و فرهنگی-اجتماعی است. در کشورهای قدیمی در حال توسعه اگرچه ادغام برپایه تاریخ و گذشته باشکوهشان صورت گرفته است ولی دغدغه اصلی این جوامع مدرن سازی است.

در این جوامع زبان کلاسیک معیار با زبان مردم عام تفاوت دارد و این زبان معیار باید از مرحله مدرن شدن عبور کند. در میان ملل میانه، علاوه بر ایجاد ادغام فرهنگی-اجتماعی، باید با روند مدرن شدن نیز مواجه شوند. ایران کشور بزرگ اقوام ایرانی در دسته کشورهای با سابقه در حال پیشرفت قرار می گیرد، **بلوچی** نیز به تبع آن در همین بخش قرار می گیرد.

بلوچستان دارای تاریخ چند هزار ساله است، بلوچستان تاریخ پر عظمت و گذشته پرشکوهی داشته است که این در ادبیات بلوچ و غیر بلوچ انعکاس داشته است، حال با توجه به نظریه فیثمن مشکل اصلی زبان بلوچی عبور از پروسه مدرن شدن است.

جهان در قرن بیست و یکم با سرعت فزاینده ای در حال پیشرفت است، هر روز تکنولوژی جدید وارد بازار می شود و زبان هر کشور باید بتواند در مواجه با چنین پیشرفت هایی نیازهای زبانی کاربران خویش را مرتفع کند.

زبان دارای ویژگی های متعددی است که یکی از آنها باروری است. یعنی گویش وران هر زبان می توانند به تعداد نامحدود جمله جدید بسازند. زبان سیستم بسته ای نیست بلکه یک طرف آن گشوده است و همین باز بودن سیستم باعث گسترش زبان می شود. برای اضافه کردن واژگان جدید به هر زبانی روش های گوناگونی وجود دارد، مهمترین روش قرض گرفتن از زبان دیگری است. واژه ای برای نامیدن یک جسم در زبان مبدا تولید می شود، زبان مقصد برای آنکه آن جسم را عنوانی بدهد آن واژه را از زبان مبدا قرض می گیرد. در روش قرض گیری کلمه باید کمی دچار تغییر حداقل در سطح آوایی شود تا بتواند برای گویشوران زبان مقصد قابل بیان باشد. روش دیگر ابداع است؛ در این روش واژه ای کاملاً جدید در زبان تولید می شود که هرگز وجود نداشته است.

از دیگر روش ها در فرایند زایشی زبان می توان به ترکیب، کوتاه کردن و تبدیل نام برد. در **بلوچی** عمدتاً از روش قرض گرفتن برای نام گذاری اشیاء جدید استفاده شده است. مثلاً کامپیوتر که یک کلمه انگلیسی است با کمی تغییرات در سطح آوایی وارد واژگان این زبان شده است.

از نمونه های دیگر می توان به کلماتی مانند “مانیتور، لامپ، تلویزیون، رادیو و...” اشاره کرد. البته بلوچی در بعضی موارد از واژگان داشته برای نام گذاری اشیاء با استفاده از روش ترکیب بهره جسته است. مثلاً “بالی غراب” به معنی هواپیما از ترکیب دو واژه “بالی” و “غراب” ساخته شده است و هر دو در قاموس واژگان بلوچی وجود داشته اند.

روش ابداع توسط چند محقق بلوچ برای ساختن واژگان جدید نیز استفاده شده است، مهمترین شخصیت بلوچ که در ابداع لغات بلوچی کارهایی انجام داده است **سید ظهورشاه هاشمی** بوده است.

او در فرهنگ لغت خود واژگان زیادی را ابداع کرده است. با توجه به روش های مذکور که بلوچی از آنها برای تولید و ایجاد واژگان جدید استفاده کرده است، می توان این نتیجه را گرفت که بلوچی یک زبان پویا است که در گذر از مرحله مدرن شدن از روش های متعددی برای برطرف کردن نیازهای زبانی گویش وران خویش سود می جوید.

این روش ها نیز نشان گر آن اند که **بلوچی** مانند دیگر زبان های دنیا برای بارورسازی واژگان خود از همان روش هایی بهره می برد که سایر زبان های دنیا از آن سود جسته و می جویند. **بلوچی** در پروسه مدرن شدن دارای مشکلاتی نیز می باشد که می توان به مشکلات نگارش آن اشاره کرد.

زبانشناسانی مانند **دکتر جهانی**؛ استاد دانشگاه آپسالا، در کتاب خود به بررسی این مشکلات زبان بلوچی از لحاظ تعیین زبان معیار و رسم الخط واحد پرداخته است.

در حقیقت انتخاب لهجه معیار و رسم الخط واحد از مراحل مدرن شدن هستند. بلوچی دارای لهجه ها و رسم الخط های متفاوتی است که انتخاب لهجه و رسم الخط معیار بر اساس مطالعه انجام شده توسط دکتر جهانی کار سهلی است.

یعنی باید لهجه و رسم الخطی را برگزید که گویشوران بلوچ در خواندن و نوشتن آن کمترین مشکل را داشته باشند. انتشار مقالات، روزنامه ها، مجلات و کتب مختلف به زبان بلوچی که عمدتاً در پاکستان به چاپ می رسند روند گزینش لهجه و رسم الخط معیار را تا حدودی تکمیل کرده است. اما هنوز مشکلاتی در سطح نگارش وجود دارد که باید تغییراتی برای برطرف بهتر نیاز هایی زبانی گویشوران این زبان ایجاد شود.

بلوچی مانند هر زبان زنده دنیا دارای کمی ها و کاستی هایی می باشد. این زبان برای آنکه بتواند به عنوان یک زبان زنده دنیا در میان گویش وران خویش عمل کند، مانند هر زبان دیگر نیاز به تغییر تحول و اصلاح دارد. بلوچی تا به حال توانسته با حفظ ساختار خود با استفاده از روش های متعدد نیازهای زبانی گویش وران خود را بر طرف کند گر چه در این مرحله مدرن شدن با مشکلاتی نیز مواجه بوده است. پروسه مدرن شدن بلوچی اگرچه تا برای افراد غیر متخصص نامطلوب بوده است ولی این روند نیاز های زبانی را تا حدودی برطرف کرده است. بلوچی کمتر در سطح عموم آموزش داده می شود و همین امر باعث کند شدن روند مدرن شدن بلوچی حداقل در زمینه نگارش شده است.

تحقیق زبانشناسان درباره زبان بلوچی می تواند روند مدرن سازی بلوچی را تسریع بخشد.

فرهنگ و هنر بلوچ

بلوچها نیز که از اقوام با سابقه و شاخص ایرانی هستند دارای نوعی فرهنگ و باورهای خاص و متفاوت می‌باشند.

بلوچ انسانی آزاده، مهمان نواز، راستگو، ناموس پرست، دلیر و شجاع، سخت کوش و جنگجوست. مردمش به تاثیر از شرایط خاص محیط خویش؛ پردوام و بردبار هستند که با حداقل امکانات زندگی می‌کند و تحمل آنها در برابر مشکلات و سختیها شاید در هیچ یک از طوایف ایران وجود نداشته باشد.

در دوستی ثابت قدم و وفادارند و در دشمنی سر سخت و انتقام جو هستند.

تصویری از پخت نان توسط در بلوچستان



بلوچ در شترسواری، تیراندازی، شکار کردن، کوهپیمایی، صحرانوردی و پیاده‌روی بی‌نظیر است. بلوچها برای اسلحه و مرکب سواری خود اهمیتی به‌سزا قایلند و از این رهگذر در نگهداری و مراقبت آن سخت می‌کوشند.

از قیود زاید و تعارفات اضافی برکنارند و سادگی و بی‌آلایشی در پندار کردار و گفتار آنها هویداست و به قول و قرار خود اهمیت بسیار می‌دهند.

مردم بلوچستان سخت پایبند به اعتقادات مذهبی و دینی خویشند. نماز را به موقع و با جماعت به جای می‌آورند و در سخت ترین شرایط روزه می‌گیرند و شکستن روزه را گناهی بزرگ می‌شمارند. اعیاد آنان منحصر به اعیاد مذهبی است و در میان اعیاد مذهبی بیشتر از همه برای دو عید فطر و قربان اهمیت قایل هستند و با توجه معتقدات مذهبی خود، تشریفات ویژه‌ای برای این دو عید مقرر می‌دارند.

تمام افراد خانواده لباس نو می‌پوشند و برای ادای نماز عید به عیدگاه یا مصلی می‌روند و پس از اتمام نماز آنهایی که با یکدیگر کدورتی داشتند همدیگر را در آغوش کشیده و حلالیت می‌طلبند و سپس به دیدار بستگان و خویشاوندان می‌روند و تا سه روز را ایام عید می‌دانند.

چند ویژگی شاخص که قوم بلوچ را متمایز می‌سازند عبارتند از:

۱- میار جَلّی mayārjalli (با هوت)

میار و باهوت به معنای پناهنده شدن به کسی و میار جَلّی به معنای پناهنده پذیری است. اگر شخصی گناهکار یا مظلومی به علت ترس از جان، محل سکونت خود را ترک گفته و به سردار یا طایفه‌ای قوی‌تر پناه ببرد و از او طلب پناهندگی و حمایت بکند و او نیز با سنجیدن جوانب قبول پناهندگی نماید، ابتدا پناه دهنده سعی می‌کند با وساطت مشکل پناهنده خود را با طرف مقابلش حل و فصل نماید، چنانچه این روش مؤثر نیفتاد پناه دهنده تا پای جان از پناهنده‌ی خود در مقابل دشمنانش دفاع خواهد کرد.

ضرب المثل بلوچی مؤید این موضوع است که می‌گوید:

mayār ča telagan azizteren « میار چه تیلگان عزیز ترانت »

یعنی پناهنده از دو چشم انسان عزیزتر است .

در فرهنگ بلوچ کسی که به پناهنده خودش خیانت کند یا او را تحویل دشمن دهد جزء بدترین افراد است.

۲- قول

چنانچه بلوچ به کسی قول بدهد نباید هیچگاه به قول خود بی‌تعهد باشد و از این رو به قول خود وفادار است و این وفاداری و تعهد آنقدر زیاد است که به صورت ضرب المثل در آمده است

Saron brot bala kowlon marot « سرن بروت بله قولن مروت »

یعنی حاضرم که سرم از تن جدا شود اما بدقولی نکنم.

۳- مهمان دوستی

مهمان نوازی مردم بلوچستان ریشه در فرهنگ اسلامی آنها دارد و از این نظر شهره خاص و عام و ضرب المثل هستند.

مهمان دوستی مردم بلوچ خصلتی پسندیده است که در بین همه

اقتدار غنی و فقیر آن وجود دارد. مهمان نوازی و پذیرایی از مهمان با صمیمیت و احساس خاصی همراه است؛ این خصلت از دیر باز در میان مردم بلوچ وجود داشته است. همیشه بهترین امکانات خود را نگه می‌دارد و آنرا از زن و فرزند دریغ داشته که شاید مهمانی بیاید.

بوده‌اند افرادی که هیچگاه به تنهایی غذا نمی‌خوردند و به انتظار می‌نشستند تا مهمانی از راه برسد. در همه منازل بلوچستان مهمانخانه و در همه روستاهایش مسافرخانه وجود دارد تا مهمان را پذیرایی کنند.

۴- حَشَر و مَدَد hashar – o – madad

حشر و مدد به معنی همیاری و تعاون گروهی افراد در کارهاست. تنها زیستن برای فرد بلوچ مفهوم ندارد و تنهایی به منزله نابودی است. از این روی در مسیر زندگی و مقابله‌های نابرابر با طبیعت خشن آموخته است که همواره در کنار قوم و همکیشان خود زندگی کند تا از هر گونه گزند و آسیبی در امان بماند. بنابراین وجود اصطلاح حَشَر و مدد که یکی از انگیخته‌های حیاتی و اجتماعی قوم بلوچ است خود گواه این مدعا است.

حشر و مدد نوعی تعاون و همیاری است که افراد از روی خلوص نیت و مهربانی بدون دریافت مزدی برای یکدیگر انجام می‌دهند. ماحصل این کار ممکن است متوجه فرد یا یک جامعه گردد. اموری از قبیل: ساختن مدرسه، خانه، برنج کاری، برداشت و دروی محصول، ساخت و لای روبی قنوات، سد آبی، دفاع؛ در حشر و مدد بلوچی که از افتخارات قومی است نهفته می‌باشند.

۵- بَجَّار (bejār) کمک در امر ازدواج

یکی از پسندیده ترین و مفیدترین سنت های قوم بلوچ که در میان شرفی ترین اقوام و ملل کمتر می‌توان نظیر آنرا یافت، موضوع «بَجَّار» است.

بَجَّار یعنی کمک و همراهی مادی با جوان و داماد که می‌خواهد ازدواج نموده و تشکیل خانواده دهد.

هر چند بچار شامل حال جوان غنی و فقیر هر دو می‌شود، ولی مسلم است عقلا و دانشمندان بلوچ برای کمک و همراهی با جوان کم بضاعت رسم بچار را عمومیت داده اند تا موجب خجالت و انفعال جوان محتاج نشود.

از طرف دیگر جوانی که ازدواج می‌کند و جامعه هزینه آنرا می‌پردازد، مکلف است به نوبت خود در «بچار» جوانان آینده که قصد ازدواج دارند شرکت کند و دین خویش را به اجتماع بپردازد. مبلغ بچار بستگی به میزان و توانایی و همت فرد دارد و بیشتر از جانب خویشاوندان است و می‌تواند نقدی یا غیر نقدی مثل فرش و قالی و بز و گوسفند و ... باشد.

۶- چَندَء (čanda کمک به امورات دینی)

مردم مسلمان بلوچ در کنار شرکت در مراسم بچار (که برای ازدواج است) و حشر و مدد (که تعاون در امور اجتماعی است)، برای ساخت و بنای مساجد، حوزه های علمیه، مخارج طلاب، حقوق مدرسین و دیگر امورات دینی با پرداخت وجوه نقدی و غیر نقدی . (مثل مصالح ساختمانی) در مراسم چَندَء شرکت می کنند

علمای دین، متصدیان مساجد و حوزه‌های علمیه که قصد تعمیرات یا ساخت و ساز بناهای دینی را دارند، در نمازهای عید فطر واضحی یا نمازهای جمعه از مردم طلب کمک می کنند. آنهایی که کمک های عمده ای می کنند اسامی‌شان یادداشت می شود، سپس برای جمع آوری کمک‌های نقدی بقیه نمازگزاران، افرادی مشخص شده که با در دست داشتن لُنگی بین تمام صفوف نمازگزاران دور می‌زنند و کمک‌های نقدی مردم را جمع آوری می‌کنند. در این منطقه ساخت مکانهای دینی از مراسم چَندَء و پرداخت زکات تامین می‌شود و مردم کمک‌های فراوانی می‌نمایند و در این موارد از دولت کمتر کمکی دریافت می کنند

۷- بیر beyr به معنای انتقام است

اگر به شخصی یا طایفه‌ای صدمه و خسارتی وارده شده و یا کسی کشته شود و شخص خاطی از عمل خود اظهار ندامت نکند و عذر خواهی ننماید باید منتظر انتقام طرف مقابل باشد و تا هر زمانی که شرایط و موقعیت برایش فراهم شد انتقام خود را می‌گیرد. در شعر یکی از شعرای محلی کینه بلوچ چنین وصف شده است:

seng aga čatani bonā reyzant سنگ اگان چاتانی بُن ء ریزانت

keynag ča mardāni delā کینگ چه ء مردانی دل ء کنزانت

kenzant

beyr baločāni tā dosad بیر بلوچانی تا دو صد سالا

sālā

lasaeyn āhoogant do dantānin لسئین اهوگ انت دو دنتانین

هر گاه سنگهای بزرگ ته چاه فرسوده و تجزیه شود / آنگاه ممکن است کینه نیز از دل مرد
جابجا شود / انتقام بلوچ بعد از گذشت دویست سال / همانند آهوپی جوان دو دندان تازه است

۸- قسم جن طلاق (زن طلاق) j antalāk

بلوچها برای اعلام تعهد، وفای به عهد، پیمان، اعلام برائت از اتهامات وارده و همچنین برای
عملی نمودن سخنان و حتمی ساختن انتقام خود از شخصی یا طایفه ای، قسم زن طلاق یاد
می کنند و از آنجایی که در ناموس پرستی تعصبی خاص دارند اغلب قسم جن طلاق یاد
می کنند که راه برگشت ندارد و با کفاره هم جبران نمی شود و بعد از ادای این قسم تا آخرین
توان بر عملی کردن عهد و پیمان و گفته ی خود اقدام می کند در غیر این صورت زنش مطلقه
می شود.

می توان گفت زن طلاق مهمترین قسم بلوچهاست چنانچه در حالت عصبانیت گفته شود
بسیاری از حوادث و درگیری ها را به دنبال خواهد داشت.

۹- دیوآن diwān

دیوآن در ادبیات دری در معنی وزارتخانه، اداره، دفترخانه، دفتر محاسبه بکار رفته است اما در
جامعه بلوچی به معنای مجلس و همایش است.

بزرگان و ریش سفیدان قوم یا اقوام در یک محل معین گرد هم می آیند و به رتق و فتق
کارهای مهم مردمی می پردازند که به این تجمع «دیوآن» می گویند.

دیوآن برای حل اختلاف دو شخص یا دو طایفه، مشخص کردن میزان مال و مهریه عروس و ...
تشکیل می شود.

همچنین به مجلس میهمانی عروسی که میهمانان دور هم جمع می‌شوند و یا مکانی که شعرا و خوانندگان موسیقی اجرا می‌کنند، همایش‌های شعر و ادب و بزرگداشت دانشمندان را هم دیوان می‌گویند.

۱۰- پتر pattr

پتر را می‌توان به معنی پذیرش قصور و اشتباه تلقی کرد، بدین صورت که اگر بین دو شخص یا دو قوم اختلافات شخصی، خانوادگی و فامیلی وجود آمده باشد و یا در اثر درگیری و برخورد کسی زخمی یا کشته شود؛

در این موارد جهت جلوگیری از گسترش دامنه‌ی اختلاف و انتقام‌گیری، بزرگان طایفه، به‌مراه شخص خطا کار برای اظهار ندامت و پیشمانی و پذیرفتن اشتباه خود و ارزش و احترام دادن به مظلوم زیان دیده به خانه او رفته و ضمن قبولی تقصیر از او معذرت خواهی می‌کنند و حاضر به پرداخت خسارت می‌شوند که در اکثر موارد متهم و خطاکار بخشیده می‌شود و خسارت‌های پرداخت شده او بعد از مدتی به او برگردانده می‌شود.

۱۱- پوشاک

از شاخص‌های ظاهری مرد و زن بلوچ که وی را از اقوام دیگر متمایز می‌سازد پوشاک بلوچ است که بخاطر موقعیت جغرافیایی و گرمای زیاد منطقه و کار و تلاش مردم و دلایل دیگر شکل خاصی به خود گرفته است. سوزن دوزی زن بلوچ بر لباس خود در دهها طرح و نقشه جزو صنایع دستی مهم کشور به شمار می‌رود و شهرت جهانی پیدا کرده است.

نتیجه:

خصلت‌های موجود در جامعه قبیله ای و عشیره ای بلوچ در هر نقطه ای از بلوچستان که باشد به معیارهای خاص خود استوار است. شرایط زیست محیطی در کنار عوامل دیگر که بر اثر گذشت زمان رنگ و معیار و ارزش به خود گرفته است و فرهنگی را بوجود آورده است که تحت هیچ عنوان حاضر نیست از آن دست بردارد. هر چند که بعضی از این خصلت‌ها امروزه از دیدگاه دیگران رنگ ضد ارزش به خود گرفته باشد، اصرار این قوم بر حفظ ویژگی‌هایش او را از دیگر اقوام متمایز ساخته است.

زندگی قوم بلوچ

آمیزه‌ای از مراسم، آیین‌ها، عقاید و باورهای است که ریشه در سنتی دیرین دارند. به ندرت مراسم یا آیینی می‌توان یافت که با موسیقی همراه نباشد. مراسم بلوچی در مجموع یا آیین‌های کیشی-مذهبی هستند و یا جشنها و اعیاد را تشکیل می‌دهند. عمده‌ترین آیین‌های کیشی-مذهبی عبارتند از: **گواتی، مولود(مالد و پیر پتز)، انواع زار، محفل دراویش صاحبان، مجالس ترحیم؛** و مهمترین جشنها عبارتند از: **عروسی، زایمان، ختنه سوران،**

هامین(خرما چینی) و گندم چینی. به

طور کلی اساس ملودیه‌ها بر مبنای شرایط و مراسم، به ویژه تحت مفاهیم متفاوتی تدوین شده‌اند.

از جمله:

لیکو و زهیروک: آوازهایی هستند که در فراق بستگان نزدیک مثل پدر، مادر، برادر، خواهر، و همچنین دوست و معشوق و حتی در دوری از وطن ارایه می‌گردند. زهیروک در بدو امر فقط به

وسیله زنان، در حین کارهای روزمره خوانده می‌شده است. این نحوه اجرا امروز دیگر متداول نیست. فعلاً زهیروک به وسیله خوانندگان مرد و به همراهی سرود(قیچک) اجرا می‌شود.

کردی: مضمون متن کردی، عیناً مثل لیکو و زهیروک، مبین تأملات ناشی از هجران و فقران است. این متن حاوی لهجه‌ای است که در رودبار و منطقه بین ایرانشهر و کرمان متداول است. آواز کردی بیش از همه جا در ایرانشهر و بمپور رواج دارد.



سوالات فصل یک

- ۱- در مورد نژاد ملت بلوچ توضیح دهید ؟
- ۲- در مورد فرهنگ و هنر مردم بلوچ چه می دانید آن را بنویسید؟
- ۳- چند مورد از مهمترین ویژگی های فرهنگی ملت بلوچ را بنویسید؟
- ۴- در مورد زبان بلوچی توضیح دهید ؟
- ۵- در مورد واژه (پتَر پتار pattrar) توضیح دهید؟

فعالیت های فصل ۱

- در مورد یکی از ویژگی های فرهنگی ملت بلوچ تحقیق کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.
- یک کتاب که در مورد ملت بلوچ است را پیدا کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.

بخش دوم (آشنایی با بلوچستان ایران)

دلیل نامگذاری بلوچستان (وجه تسمیه)

نام "بلوچستان" در کتیبه‌های میخی داریوش هخامنشی در "بیستون" و "تخت جمشید"، "ماکا" یا مکه ضبط شده است که "استان چهاردهم" بوده است.

این سرزمین را در زمان ساسانیان "کوسون" می‌گفتند، اما قدیمی‌ترین نام آن همان "ماکا" یا "مکه" است که "هرودوت" نیز آن را مکیا یا میکیان خوانده است. این نامها تا پیش از ظهور اسلام، میان مردم محل معمول بوده است؛ زیرا در قرن اول هجری که اعراب بر این سرزمین دست یافتند؛ نام آن "مکران" بوده است و جغرافی نویسان اسلامی نیز آن را با همین املاء ضبط کرده‌اند.

"حمدالله مستوفی"، مؤلف کتاب "نزهةالقلوب" می‌نویسد: «مکران، مملکتی بزرگ است از اقلیم دوم، وسعتش دوازده مرحله، دارالملکش فنزبور، طولش از جزایر خالدا ۳ صبح و عرض آن از خط استوا، که هوایش گرم است و آبش از رود و دیگر بلاد بزرگش تیز و منصوره و فهل فهره و زراعات و عمارات بسیار و قری بیشمار دارد.»

"ابوالفداء"، مؤلف "تقویم البلدان" نیز درباره بلوچستان می‌نویسد: «مکران، بر دهانه دریای فارس در جانب شرقی واقع شده و قصبه آن "تیز" است و آن در موضعی است در طول ۷۹ درجه و عرض ۲۴ درجه و ۴۵ دقیقه، طول آن صبح و عرض آن کدمه است.»

"استاد بارتولد"، در وجه نامگذاری بلوچستان می‌نویسد: «از قرار معلوم آرینها، منطقه ساحلی را بعد از کرمان تصرف کرده‌اند و ظاهراً این ولایت، نام یونانی خود، گدروسیا- گدروزیا را از نام آن شعبه از ملت ایران که هرودت "دروسیاپوی" نامیده، گرفته است.

اسم کنونی ولایت - که "مکران" است - اسمی نیست که قومی از اقوام "آرین"، روی این خطه گذاشته باشد، به عقیده علماء، کلمه "مکران" مشتق از نام یک قوم "دراوی" است که یونانیها "ماکای" یا "موکای" می گفتند و در کتیبه های میخی "ماکا" و "ماسیا"، خوانده می شود. در کتاب "بیزانسی" - که از جغرافیایان یونان است - اسم ولایت به شکل "ماکاره" نه " دیده می شود».

به عقیده "هولدیچ"، جهانگرد انگلیسی، "مکران" مرکب از دو واژه فارسی "ماهی" و "خواران" یعنی ماهیخواران است که بر اثر کثرت استعمال تبدیل به "مکران" شده است.

سایکس می نویسد: «در ایام [سلطنت] اسکندر کبیر، "مکران" را به واسطه قرب جوار دریا، "ایکتیوفاجی" یا ماهیخواران و ناحیه مشرف به داخله کشور را "گدروسیا" می نامیدند»

یونانیان به بلوچستان "ارابه" نیز می گفتند، زیرا "نئارک"، دریا سالار اسکندر مقدونی - که به سال ۳۳۶ قبل از میلاد با کشتیهای تحت فرماندهی خود از مصب "رود سند" گذشته و به سواحل "مکران" و "تنگه هرمز" رسیده است - می گوید: «اوایل آبانماه (مطابق با دوم اکتبر ۳۳۶ قبل از میلاد مسیح، مصادف با سال یازدهم سلطنت اسکندر سفر تاریخی خود را شروع کردیم. اوایل آذرماه همان سال به سواحل "ارابه" (نام یونانی بلوچستان) رسیدیم.»

در حوالی "سند"، "مکران" را با کاف مفتوح تلفظ می کنند، از این رو می توان گفت که "مکران" مرکب از دو کلمه "ران" (باتلاق) و "مکا"، است.

به هرحال قرنهای سرزمین کنونی بلوچستان، "مکران" نامیده می شده است جهانگردان عرب نیز به نام "مکران" یا "مکوران" از این منطقه یاد کرده اند.

"مارکوپولو"، از سرزمین بلوچستان به نام "کسماکوران" یا "کسمه کوران" یاد نموده است. وی می نویسد: «کسماکوران، ایالتی است که شاهی بر آن حکومت می کند. مردم آن با زبان خاص خود گفت و گو می کنند، بیشتر مردم آن مسلمانند؛ هرچند بت پرستان هم در آن جا زندگی می کنند»

نویسندگان قرون سیزده، چهارده و پانزده میلادی غالباً برای تسمیه تمام ایالت، کلمه "کیچ" و "مکران" را استعمال می‌کردند و به همین جهت "مارکوپولو" ولایت مزبور را "کسمه کوران" نامیده است.

ظاهراً در گذشته‌های بسیار دور طایفه دیگری به نام کوچ (براهویی‌ها) با بلوچها خویشاوندی داشته است و "فردوسی" در "شاهنامه" از دوطایفه مجاور یکدیگر "کوچ" و "بلوچ" نام برده است.

"ریچارد فرای" می‌گوید: «بی شک مردم بلوچ ایرانی که نام خود را به سرزمین پهناوری داده‌اند که میان رود سند و خلیج فارس در یک سو و اقیانوس هند و شهرهای ایرانی کرمان و بم و شهرهای افغانی فراه و قندهار در دوسوی دیگر واقع است، پیش از سده یازدهم پس از میلاد به این قسمت نیامده بودند.»

برخی بر این باورند که در قدیم بلوچها در ارتفاعات گیلان زندگی می‌کرده‌اند و پیش از هجوم اعراب به ایران، مکران و بلوچستان مهاجرت کرده‌اند و از این زمان است که کلمه بلوچستان از نام این قوم مأخوذ گردیده و در تسمیه این سرزمین به کار رفته است.

تاریخچه مختصری از بلوچستان

سرزمینی که اکنون بلوچستان نام دارد، به اسم «مکا» «مکه» مشهور بوده که یونانی‌ها آن را «گدروزیا» نامیده‌اند. در زمان قدیم در سرزمین بلوچستان باتلاق بسیار وجود داشت و «اراینا» یا «ایرینا» در زبان سانسکریت به معنی باتلاق است و برخی معتقدند از ترکیب این کلمه با کلمه «مکا» کلمه‌ای پدید آمد که به مرور زمان به «مکران» تبدیل شد. کلمه بلوچستان نیز از زمانی به این سرزمین اطلاق شد که بلوچها در آن سکونت کردند.

در فرهنگ معین درباره قوم بلوچ آمده است: «قومی ایرانی، صحرانشین و دلیر ساکن بلوچستان، طوایف خارجی کمتر در آن ناحیه نفوذ کرده و ایشان در برابر بیگانگان مقاومت نموده‌اند.

آنان لهجه خاصی دارند که به بلوچی معروف است در تپه‌های بلوچستان آثاری به دست آمده است که تاریخ این سرزمین را به سه هزار سال پیش از میلاد می‌رساند.

آنچه مسلم است، کورش هنگام لشکرکشی به هند، مکران را نیز تصرف کرد. فردوسی در شاهنامه، از گردان بلوچ سخن گفته است یکی از وقایع مهم بلوچستان، عبور اسکندر مقدونی از این سرزمین در هنگام بازگشت از هندوستان است که در جریان آن در اثر وجود ریگ‌های روان، بیابان‌های خشک و بی‌آب و سرسختی مردمان این سرزمین، اکثر قوای خویش را از دست داد.

در زمان خلافت خلیفه دوم (عمر فاروق)، این سرزمین به وسیله عرب‌ها فتح و یکی از سرداران عرب به عنوان حاکم آن منصوب شد، ولی در اثر مخالفت‌ها و جنگ‌های مردم بلوچستان با وی، سرانجام این سرزمین را ترک کرد در سال سی صد و چهار هجری قمری، سرزمین بلوچستان به وسیله دیلمیان فتح گردید.

در زمان حکومت سلجوقیان در کرمان، منطقه بلوچستان نیز توسط آنها اشغال و تابع کرمان شد بعد از حکومت نادر، بلوچستان اسماً جزو ایران بود، اما حکومت مرکزی تسلط کاملی بر آن نداشت.

محمدشاه قاجار ایرانشهر را تصرف کرد و پس از آن تمامی نواحی ساحلی بلوچستان به مرور زیر سلطه حکومت مرکزی ایران قرار گرفت.

بلوچستان کنونی که در ایران واقع شده است

*بلوچستان ایران اکنون نام استان سیستان و بلوچستان را دارد و به دو قسمت بلوچستان و سیستان تقسیم می‌شود.

سیستان در قسمت شمالی این استان و بلوچستان در قسمت جنوب استان قرار دارد. که از نظر وسعت قسمت بلوچستان پهن‌تر از قسمت شمالی آن می‌باشد.

واقع است. استان سیستان و بلوچستان اکنون در شرق جنوب شرقی ایران

این استان با حدود ۱۸۰,۷۲۶ کیلومتر مربع وسعت کمابیش اندازه کشور سوریه بزرگی دارد و بیش از ۱۱ درصد وسعت ایران را دربرمی‌گیرد. سیستان شامل زابل و شهرهای اطرافش است و بلوچستان دربرگیرنده بقیه شهرها از زاهدان تا چابهار می‌باشد.

سیستان و بلوچستان ۱۱۰۰ کیلومتر مرز با کشورهای پاکستان و افغانستان و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان دارد و به دلیل قرار گرفتن در موقعیت راهبردی و ترانزیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است به ویژه بندر چابهار که تنها بندر اقیانوسی ایران و آسانترین و بهترین راه دسترسی کشورهای آسیای میانه به آبهای آزاد است .

مردم استان سیستان و بلوچستان از قومیت‌های بلوچ و سیستانی می‌باشد که بلوچ‌ها به زبان بلوچی با لهجه‌های متفاوت و عموماً با مذهب تسنن و سیستانی‌ها به گویش پارسی سیستانی صحبت می‌کنند و اغلب پیرو مذهب تشیع اند. این استان بیشتر آب و هوای گرم و خشک دارد اما در عین حال از تنوع آب و هوایی و اقلیمی ویژه‌ای برخوردار است و مناطق کوهستانی، جنگلی و باتلاقی نیز در این استان پهناور به چشم می‌خورد .

زاهدان مرکز این استان است که از طریق راه‌آهن با میرجاوه پاکستان ارتباط دارد و از سوی کرمان هم به راه‌آهن سراسری ایران متصل است. به زودی قرار است خط راه‌آهنی از سوی چابهار به مشهد و از آنجا به کشورهای آسیای میانه کشیده شود که این خط آهن نقش مهمی را در توسعه این استان و خاور ایران ایفا خواهد کرد.

استان سیستان و بلوچستان با داشتن موقعیت راهبردی بازرگانی و ترانزیتی و دارا بودن کشاورزی و باغبانی (به ویژه میوه‌های استوایی و گرمسیری) و همچنین جاذبه‌های فراوان تاریخی و طبیعی و نیز صنعت در حال رشد از توانایی و ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای توسعه و آبادانی برخوردار است.

در برخی نقاط استان افراد برای دستیابی به آب باید حدود ۴ کیلومتر راه طی کنند تا بتوانند از آب شرب استفاده کنند. بلوچستان تنها استانی است که مرکز آن هم گاز ندارد.

جغرافیای استان

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی حدود ۱۸۷,۵۰۲ کیلومتر مربع، پهناورترین استان ایران می‌باشد، که با قرار گرفتن در بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ، از نظر جمعیتی از کم تراکم‌ترین استان‌های کشور است .

استان سیستان و بلوچستان از شمال به استان خراسان جنوبی و کشور افغانستان، از شرق به کشورهای پاکستان و افغانستان، از جنوب به دریای عمان و از مغرب به استان‌های کرمان و هرمزگان محدود می‌شود..

شمال استان، برآمده از آبرفتهای رودخانه هیرمند، که بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین جهان را در خویش جای داده‌است. کوه خواجه تنها پشته بلندی می‌باشد که در منطقه مسطح سیستان خود نمایی نموده و نزد اهالی از قداستی خاص برخوردار است. دشت سیستان که در گروه اقلیم بیابانی میانه قرار دارد، بارشی کمتر از ۶۵ میلی‌متر را در سال دریافت می‌کند و میزان تبخیر در آن به بیش از ۵۰۰۰ میلی‌متر می‌رسد. این شرایط در مجموع باعث خشکی فیزیکی شدید محیط بوده و در سالهایی که میزان ورودی آب رودخانه هیرمند کاهش می‌یابد، خشکسالی‌های مخرب توسعه پیدا می‌کند. شریان حیاتی منطقه یعنی هیرمند نوسانات سالیانه قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. وزش بادهای ۱۲۰ روزه که از اواخر بهار تا پایان تابستان می‌وزد در تشدید نیاز و خشکی محیط مؤثر است.

جنوب استان که وسعت متنوع اش را با دریای عمان گره زده‌است. این وادی دارای طبیعتی کوهستانی می‌باشد.

مناطق جنوبی استان با توجه به مجاورت با دریای عمان و بهره‌گیری از بادهای موسمی اقلیم متفاوتی دارند. بالا بودن میانگین دما و پایین بودن نوسانات آن از مشخصه‌های اساسی اقلیم منطقه‌است. با توجه به پایین بودن بارش و عدم وجود منابع برفی کوهستانی اکثر جریان‌ات رودخانه‌ای، موقتی و فصلی بوده و در بخش وسیعی از استان منابع محدود آب‌های زیر زمینی تنها امکانات تأمین آب بشمار می‌آیند. وجود مخروط آتشفشانی تفتان با ۳۹۴۱ متر ارتفاع در شمال بلوچستان مرکزی، شرایط اقلیمی متنوع و جالبی را فراهم آورده‌است .

با توجه به دوره آماری ۱۳۷۵-۱۳۵۹ میانگین بارش سالیانه استان ۱۳۹/۸ میلی‌متر و میانگین دمای سالیانه ۲۲/۶ درجه سانتی گراد، می‌باشد.

شهرستان های استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان دارای ۱۹ شهرستان، ۳۲ بخش، ۳۷ شهر، ۱۱۰ دهستان و ۹۶۵۸ آبادی می باشد.

شرح شهرستان های این استان

۱- ایرانشهر

مرکز این شهرستان، شهر ایرانشهر است. این شهرستان از شمال به زاهدان، از شمال شرق به خاش، از غرب به بم و جیرفت، از شرق به سراوان، از جنوب به نیک شهر و از جنوب شرقی به شهرستان سرباز محدود می شود. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۲۱۹۷۹۶ نفر بوده است. شهرستان ایرانشهر با مساحت ۱۸۴۷۵ کیلومتر مربع در مرکز استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته است. شهرستان ایرانشهر دارای اقلیم بیابانی گرم و خشک می باشد. مردم شهرستان ایرانشهر به زبان بلوچی و فارسی تکلم می کنند.

بخش ها: مرکزی - بزمان - بمپور **شهرها:** بزمان - بمپور - محمدان - ایرانشهر

دهستان ها: بزمان - آب رئیس - بمپور شرقی - بمپور غربی - ابتر - حومه - دامن

۲- چاه بهار

شهرستان چاه بهار با مساحت ۱۳۱۶۲ کیلومتر مربع، در جنوب شرقی استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته است. مرکز این شهرستان، شهر چابهار است. به دلیل نزدیکی با مدار راس السرطان و دریای عمان در تمام فصول سال دارای آب و هوایی معتدل است به همین علت چاه بهار نامیده شده است.

این شهرستان از شمال به سرباز و نیک شهر، از غرب به جاسک در استان هرمزگان، از جنوب به دریای عمان و از شرق به پاکستان محدود می شود. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۲۶۴۰۵۱ نفر بوده است.

بخش ها: مرکزی - دشتیاری - پلان

شهرها: چاه بهار - نگور

دهستان ها: پلان - باهوكلات - سندميرثوبان - نگور - پيرسهراب - كمبل سليمان

۳- خاش

مرکز این شهرستان، شهر خاش است. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۱۵۵۶۵۲ نفر بوده است شهرستان خاش با مساحت ۲۳۱۰۵ کیلومتر مربع در مرکز استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته است. مردم شهرستان خاش به زبان بلوچی تکلم می کنند و لهجه خاشی اصیل و زبان فارسی که اکثر آن ها سیستانی اند نیز رایج است.

بخش ها: مرکزی - ایرندگان - نوک آباد

شهرها: خاش - نوک آباد

دهستان ها: ایرندگان - کهنوک - اسماعیل آباد - پشتکوه - سنگان - کارواندر - کوه سفید - اسکل آباد - تفتان جنوبی - گوهرکوه - نازیل

۴- دلگان

شهرستان دلگان با مساحت ۱۱۷۵۵ کیلومترمربع از شهرستان های استان سیستان و بلوچستان است. این شهرستان تا سال ۱۳۸۶ به عنوان بخش دلگان شهرستان ایرانشهر شناخته می شد که در این تاریخ به شهرستان ارتقا یافت. جمعیت این شهرستان بنابر آمار سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر ۶۲۸۱۳ نفر بوده است.

بخش ها: مرکزی - جلگه چاه هاشم

شهرها: گلمورتی

دهستان ها: جلگه چاه هاشم - چاه علی - دلگان - گنبدعلوی - هودیان

۵- زابل

شهرستان زابل با مساحت ۱۳۱۵۲ کیلومترمربع یکی از شهرستان های استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران است. مرکز این شهرستان شهر زابل است. دریاچه هامون که بزرگ ترین دریاچه آب شیرین در ایران است، در این شهرستان واقع شده است. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۲۵۹۳۵۶ نفر بوده است.

بخش ها: مرکزی

شهرها: بنجار- زابل

دهستان ها: بنجار

۶- زاهدان

شهرستان زاهدان از توابع استان سیستان و بلوچستان است مرکز آن شهر زاهدان است. این شهرستان در جنوب شرقی کشور ایران قرار دارد. جمعیت این شهرستان در سال ۱ میلیون نفر است. شهر زاهدان مرکز این شهرستان است.

شهرستان زاهدان دارای آب و هوای بیابانی گرم و خشک می باشد. شهرستان زاهدان با مساحت ۳۶۵۸۱ کیلومترمربع در منطقه سرحد بلوچستان در شمال استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته است. زبان اصلی ساکنان بومی شهرستان زاهدان، زبان سیستانی است. طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت این شهرستان ۶۶۰۵۷۵ نفر می باشد.

بخش ها: مرکزی- نصرت آباد- کورین

شهرها: زاهدان- نصرت آباد

دهستان ها: چشمه زیارت- حرمک- دومک- نصرت آباد- شورو- کورین

۷- زهک

شهرستان زهک با مساحت ۹۴۵ کیلومتر مربع یکی از شهرستان های استان سیستان و بلوچستان ایران است. مرکز این شهرستان، شهر زهک است. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۷۵۴۱۹ نفر بوده است.

بخش ها: مرکزی - جزینک

شهرها: زهک

دهستان ها: جزینک - خمک - خواجه احمد - زهک

۸- سراوان

مرکز این شهرستان شهر سراوان است. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۱۷۵۷۲۸ نفر بوده است. اکثریت مردم سراوان را مردم بلوچ بابیش از ۹۳ درصد از جمعیت شامل می شوند که به جز برخی بلوچ های پسکوه و سراوان که شیعه اند بقیه دارای مذهب سنی می باشند. مساحت این شهرستان طبق آمار سال ۱۳۹۰، ۱۳۹۰۵ کیلومتر مربع می باشد.

بخش ها: مرکزی - بم پشت - جالق

شهرها: سیرکان - جالق - سراوان - گشت - محمدی

دهستان ها: بم پشت - کشتگان - کوهک اسفندک - جالق - کله گان - ناهوک - حومه - گشت

۹- سرباز

شهرستان سرباز با مساحت ۸۵۹۴ کیلومتر مربع یکی از شهرستان های استان سیستان و بلوچستان ایران است. مرکز این شهرستان، شهر راسک است. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۱۶۴۵۵۷ نفر بوده است. شهرستان سرباز دارای چهار بخش و هشتصد روستا است. در این شهرستان ۷۰ درصد اهل سنت می باشند.

بخش ها: مرکزی - پارود - پیشین - سرباز

شهرها: پیشین - سرباز - راسک

دهستان ها: پارود - مورتان - پیشین - زردبن - سرباز - سرکور - کیشکور - مینان - نسکند - راسک و فیروزآباد - جکیگور

۱۰- سیب و سوران

شهرستان سیب و سوران به مرکزیت سوران در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. طبق آمار سال ۱۳۹۰، این شهرستان دارای ۷۳۱۸۹ نفر جمعیت و ۶۷۸۰ کیلومتر مربع مساحت می باشد.

بخش ها: مرکزی - هیدوچ

شهرها: سوران - هیدوچ

دهستان ها: پسکوه - سیب و سوران - هیدوچ - کنت - چاهان

۱۱- فنوج

شهرستان فنوج با مرکزیت شهر فنوج، یکی از شهرستان های استان سیستان و بلوچستان می باشد. وسعت این شهرستان در حدود ۷۷۳۰ کیلومتر مربع بوده و فاصله آن تا مرکز استان، ۵۵۰ کیلومتر است. بخش فنوج در سال ۱۳۹۲ با تصویب هیئت دولت به شهرستان تبدیل شده است.

بخش ها: کتیج - مرکزی

شهرها: فنوج

دهستان ها: فنوج - کتیج - محترم آباد - مسکوتان

۱۲- قصرقند

شهرستان قصرقند به مرکزیت شهر قصرقند در سال ۱۳۹۱، به شهرستان تبدیل شده است. این شهرستان در محدوده ۶۰ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی و ۲۵ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۲۶ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی قرار دارد.

ارتفاع شهرستان از سطح آبهای آزاد دنیا، ۵۰۳ متر و مساحت آن ۶۱۱۰ کیلومترمربع می باشد. قصرقند دارای شرایط اقلیمی گرم و نیمه مرطوب است.

بخش ها: تلنگ - ساربوک - مرکزی

شهرها: قصرقند

دهستان ها: تلنگ - حمیری - ساربوک - شارک - هلونچگان - هیت

۱۳- کنارک

شهرستان کنارک با مساحت ۱۱۵۶۷ کیلومترمربع یکی از شهرستان های استان سیستان و بلوچستان ایران است. مرکز این شهرستان، شهر کنارک است. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۸۲۰۰۱ نفر بوده است.

بخش ها: مرکزی - زراباد

شهرها: زراباد - کنارک

دهستان ها: زراباد شرقی - زراباد غربی - جهلیان - کهیر

۱۴- مهرستان

شهرستان مهرستان به مرکزیت شهر زابلی، یکی از شهرستان های استان سیستان و بلوچستان می باشد.

مساحت شهرستان در حدود ۶۱۰۱ کیلومترمربع و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۶۴ متر می باشد. این شهرستان دارای آب و هوای نیمه خشک و معتدل گرم است.

بخش ها: آشار - مرکزی

شهرها: زابلی

دهستان ها: آشار - ایرافشان - بیرک - زابلی

۱۵- میرجاوه

شهرستان میرجاوه در شرق استان سیستان و بلوچستان واقع شده و بیش از ۳۵۰ کیلومتر با کشور پاکستان هم مرز است. این شهرستان از شمال شرقی، شرق و جنوب شرقی با کشور پاکستان، از شمال و غرب با شهرستان زاهدان و از جنوب و جنوب غربی با شهرستان خاش ارتباط دارد. میرجاوه در سال ۱۳۹۱ به شهرستان تبدیل شده است.

شهر میرجاوه، مرکز شهرستان است و مسافت آن تا مرکز کشور حدود ۱۹۰۰ کیلومتر می باشد. ارتفاع شهرستان از سطح دریا ۸۵۸ متر و مساحت آن بیش از ۶۰۰۰ کیلومترمربع می باشد.

بخش ها: ریگ ملک - لادیز - مرکزی

شهرها: میرجاوه

دهستان ها: انده - تمین - تهلاب - جون آباد - حومه - ریگ ملک - لادیز

۱۶- نیک شهر

شهرستان نیک شهر با مساحت ۲۲۲۸۰ کیلومترمربع یکی از شهرستان های استان سیستان و بلوچستان ایران است.

مرکز این شهرستان، شهر نیک شهر است. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۲۱۲۹۶۳ نفر بوده است. بیشتر جمعیت این شهرستان از مهاجرین هستند که از لحاظ معیشتی دچار فقر شدید می باشند.

بخش ها: آهوران - مرکزی - بنت - لاشار

شهرها: بنت - اسپکه - نیک شهر

دهستان ها: بنت - توتان ومهمدان - دستگرد - چائف - لاشار جنوبی - لاشار شمالی - چاهان -

مخت - مهبان - هیچان - کهیری

۱۷- نیمروز

شهرستان نیمروز به مرکزیت شهر ادیمی، یکی از شهرستان های استان سیستان و بلوچستان می باشد که در سال ۱۳۹۱ به شهرستان تبدیل شده است.

این شهرستان از شمال و شمال غربی با کشور افغانستان و شهرستان نهبندان استان خراسان جنوبی، از جنوب با شهرستان زابل و هامون، از شرق با شهرستان هیرمند و از غرب با شهرستان زاهدان و نهبندان هم مرز می باشد. شهرستان نیمروز ۸۱۷۵ کیلومترمربع وسعت دارد و فاصله آن تا تهران ۱۸۲۳ کیلومتر می باشد. ارتفاع شهرستان از سطح دریا ۴۸۹ متر بوده و از نظر اقلیمی دارای آب و هوای بسیار گرم و خشک بیابانی همراه با تابستان های طولانی است.

بخش ها: صابری- مرکزی

شهرها: ادیمی

دهستان ها: ادیمی- بزی- سفیدابه- قایم آباد

۱۸- هامون

شهرستان هامون به مرکزیت شهر محمدآباد در شمال استان قرار دارد. هامون در سال ۱۳۹۱ با تصویب هیئت دولت به شهرستان ارتقا پیدا کرده است. این شهرستان از شرق با شهرستان زهک، از شمال با شهرستان های زابل و نیمروز، از غرب با بخشی از حوزه شهرستان نیمروز و از جنوب با شهرستان زاهدان و کشور افغانستان (۱۱۰ کیلومتر مرز مشترک) هم مرز می باشد. مساحت شهرستان، ۴۹۸۷ کیلومترمربع و فاصله آن تا مرکز کشور در حدود ۱۷۵۴ کیلومتر است. ارتفاع شهرستان از سطح دریا ۴۸۰ متر بوده و از نظر اقلیمی دارای آب و هوای گرم و خشک است.

بخش ها: تیمورآباد- مرکزی

شهرها: شهرک علی اکبر- محمدآباد

دهستان ها: تیمورآباد- کوه خواجه- لوتک- محمدآباد

۱۹-هیرمند

شهرستان هیرمند با مساحت ۱۱۰۰ کیلومتر مربع دارای دو بخش مرکزی و قرقری مباد و از غرب به شهرستان زابل، از شرق به کشور افغانستان، از شمال به دریاچه هامون و افغانستان و از جنوب به شهرستان زهک منتهی مباد شود. طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، این شهرستان دارای ۶۵۴۷۱ نفر جمعیت می باشد.

بخش ها: مرکزی- قرقری

شهرها: دوست محمد

دهستان ها: اکبرآباد- قرقری- جهان آباد- دوست محمد- مارگان

آب و هوا

استان سیستان و بلوچستان از لحاظ طبقه بندی اقلیمی در ناحیه اقلیمی بیابانی و خشک می باشد.

در یک تقسیم بندی کلی می توان گفت مناطق ایرانشهر، زابل و باهوکلان، آب و هوای بیابانی و ناحیه زاهدان در مرز بین اقلیم بیابانی و نیمه بیابانی قرار گرفته است. مناطق سراوان، خاش، چابهار، آب و هوای نیمه بیابانی و ناحیه کوهستانی بم پشت در جنوب سراوان و امتداد آن به طرف مشرق تا کوههای بشاگرد، آب و هوای نیمه بیابانی معتدل دارند. اقلیم مشرق ارتفاعات و فلاتهای مرتفع و کم وسعت میان آن، نیمه بیابانی با زمستانهای سرد است.

میزان نزولات در مناطق مختلف معمولاً بین ۱۳۰-۷۰ میلیمتر می باشد. در سال بارندگی گاه موجب ایجاد سیل و خسارت شدید می گردد ولی در صورت مهار سیلابها امکان توسعه کشت افزایش می یابد.

در تابستان حداکثر حرارت شهرستانهای ایرانشهر و زابل به ۵۰ درجه سانتیگراد می رسد. شهرستانهای دیگر حرارت پائین تری دارند.

حداقل درجه حرارت زمستان در زاهدان و خاش معمولاً ۸-۷ درجه سانتیگراد زیر صفر و هر چند سال یکبار تا ۱۸- درجه سانتیگراد نیز نزول می‌کند.

زاهدان سردترین و ایرانشهر گرم‌ترین شهرهای استان است. در نواحی جنوبی و ساحلی استان یعنی تا شعاع حدود ۱۵۰ کیلومتری از ساحل دریا در زمستان درجه حرارت شب و روز بین ۲۵-۱۰ درجه سانتیگراد متغیر بوده و این ویژگی همراه با رطوبت نسبی ۹۵-۵۰ درصد در طول سال استعداد فراوان تولید محصولات گرمسیری و سبزیجات غیر فصل را فراهم نموده است.

همچنین این نوسانات رطوبت و وجود بادهای موسمی همچون بادهای معروف به صد و بیست روزه و باد هفتم یا گاوکش و ریزش جوی و اختلاف دما در ۲۴ ساعت به استثنای نواحی معتدل سواحل دریای عمان شرایط خاص اقلیمی، پوشش گیاهی و جانوری مناظر بدیعی را به وجود آورده است.

منطقه سیستان و بلوچستان با توجه به موقعیت جغرافیایی، از یک طرف تحت تأثیر جریان‌های جوی متعدد مانند: جریان بادی شبه قاره هند و به تبع آن باران‌های موسمی اقیانوس هند است و از طرف دیگر تحت تأثیر فشار زیاد عرض‌های متوسط قرار دارد که گرمای شدید مهم‌ترین پدیده مشهود اقلیمی آن است.

در وضعیت هواشناسی این منطقه بادهای شدید موسمی، طوفان شن، رگبارهای سیل‌آسا، رطوبت زیاد و مه صبحگاهی پدیده‌ای قابل توجه است. این استان تابستان‌های گرم و طولانی و زمستان‌های کوتاه دارد.

از آنجا که حداقل دما ندرتاً به صفر درجه سانتی‌گراد می‌رسد، رویش گیاه در اراضی آبی تقریباً در تمام طول سال ادامه دارد. عمده بارندگی در زمستان صورت می‌گیرد.

این ناحیه دو فصل متمایز زمستان با درجه حرارت معتدل و خنک در ماه‌های آذر، دی و بهمن و تابستان گرم در بقیه فصل‌های سال دارد. در تمام شهرهای استان حداکثر دمای سالانه، بالای چهل درجه سانتی‌گراد گزارش شده است.

این مقدار در ماه تیر، در ایرانشهر به پنجاه و یک درجه بالای صفر می‌رسد. کم‌ترین حد دمای استان در ماه‌های آذر و دی ثبت شده است.

میانگین حداقل دمای سردترین ماه سال بین حدود دوازده تا سیزده درجه سانتی‌گراد متغیر است .

اختلاف و نوسان دمای بین زمستان و تابستان و حتی در یک شبانه‌روز بسیار بالا است، ولی حداقل مطلق دما به ندرت به صفر درجه می‌رسد نواحی ساحلی دریای عمان به علت رطوبت ناشی از مجاورت با دریا، تا حدودی از این امر مستثنی است و آب و هوای گرم آن با رطوبت بیشتری همراه است .

به علت بالا بودن متوسط دما و وزش بادهای موسمی، میزان تبخیر در این استان زیاد است و به طور متوسط چهار میلی‌متر در روز گزارش شده است بارندگی عمدتاً در ماه‌های زمستان صورت می‌گیرد. به طور متوسط در هفت ماه از سال در این ناحیه اثری از باران مشاهده نمی‌شود. میزان بارندگی از طرف شرق به غرب استان افزایش می‌یابد. متوسط سالیانه بارندگی آن حدود هفتاد میلی‌متر و بسیار نامنظم است .

بیشترین نزولات جوی، در شهرستان‌های خاش و زاهدان و متوسط سالانه آن صد و بیست میلی‌متر است. کم‌ترین مقدار بارندگی در شهرستان زابل روی می‌دهد و متوسط سالانه آن پنجاه و یک میلی‌متر است میزان متوسط رطوبت نسبی در سواحل دریای عمان، حدود هفتاد تا هشتاد درصد در دی ماه است.

در تابستان مقدار رطوبت نسبی کاهش می‌یابد، ولی کرانه‌های غربی بلوچستان به علت نزدیکی به اقیانوس هند در تابستان نیز رطوبت نسبتاً بالایی دارد.

منابع طبیعی

وسعت استان و تنوع آب و هوایی، موجب بروز تنوع در پوشش گیاهی و غنای منابع طبیعی تجدید شونده گردیده‌است. جنگلهای حرا در گواتر بلوچستان بی نظیر می‌باشد و انجیر معابد یکی از کهن سال ترین درختان کشور بوده که در لیپار چابهار واقع است.

حدود ۵۵ درصد از کل مساحت استان معادل ۱۰,۲۵۰,۰۰۰ هکتار را مراتع در بر گرفته است که ۳۰۰ هزار هکتار مراتع خوب، ۷۵۰ هزار هکتار مراتع متوسط و ۹/۲ میلیون هکتار مراتع فقیر و خیلی فقیر می باشد.

در استان بیش از ۱۲۰۰ گونه گیاهی که حدود ۷۰ گونه آن دارای ارزش دارویی و صنعتی می باشد شناخته شده است. از جمله می توان گونه های کهور، کنار، بنه، بادام، جش و گز روغن را نام برد. مساحت جنگل های استان که عمدتاً نیمه متراکم و کم تراکم هستند قریب به یک میلیون هکتار می باشد. همچنین حدود ۶/۳ میلیون هکتار را بیابان و شنزار در بر گرفته است.

معادن سیستان و بلوچستان



سیستان و بلوچستان رنگین کمان معادن کشور محسوب می شود. شاخص ترین معادن این استان گرانیت بوگ، مس چهل کوره و کارخانه فرآوری آن، آنتی موان سفیدآبه، معدن فلز آسان درک نیکشهر، معادن آهک سیمان خاش و زابل، مرمر پک و طلا در بزمان، معدن مس چهل کوره نصرت آباد است.

معدن مس چهل کوره نصرت آباد نخستین معدن زیرزمینی سیستان و بلوچستان است که تاکنون حدود ۱۰۰ متر تونل استخراجی آن حفر شده است.

گونه های جانوری در سیستان و بلوچستان

سیستان و بلوچستان وجود مناطق بکر گونه های کمیاب و منحصر به فرد نظر جانورشناسان و علاقه مندان به طبیعت را به خود جلب کرده است. صدها گونه جانوری شامل ۳۴۰ گونه پرنده،

۶۴ گونه پستاندار و حدود ۱۱۰ گونه خزنده و دوزیست به همراه صدها گونه ماهیان آب شیرین و شور در این استان گزارش و شناسایی شده است.

در حال حاضر گونه‌های جانوری از قبیل خرس سیاه، پلنگ، گربه شنی، سگ آبی، قوچ و میش، کل و بز و جبیر به همراه پستانداران دریایی و پرندگان همچون عقاب، شاهین‌ها، هوبره، پلیکان خاکستری، زاغ بور و تمساح پوزه کوتاه رودخانه سرباز، لاک پشت‌های خشک زی و آبی به همراه بزمجه بنگال هم در گروه خزندگان جانوران حمایت شده استان هستند.

مناطق حفاظت شده سیستان و بلوچستان

ایستگاه‌های گونه‌های جانوری و گیاهی استان در قالب ۱۱ منطقه حفاظت شده توسط محیط بانان محافظت دائم می‌شود و بیش از یک میلیون و ۳۴۴ هزار و ۳۷۵ هکتار معادل ۷۳ درصد از کل مساحت سیستان و بلوچستان منطقه حفاظت شده است.

به منظور حفاظت از گونه‌های زیستی جانوری و گیاهی سیستان و بلوچستان طرح مناطق چهارگانه حفاظت شده زیر نظر اداره کل حفاظت محیط زیست استان به اجرا در آمده است. مناطق چهارگانه حفاظت شده استان شامل مناطق حفاظت شده جانوری با وسعت بیش از ۷۵۸ هزار هکتار، مناطق حفاظت شده جنگلی با وسعت ۱۲۶ هزار و ۳۶۵ هکتار، مناطق شکار ممنوع با وسعت نزدیک به ۴۶۰ هزار هکتار و آثار طبیعی ملی با وسعت ۱۰ هکتار می‌شود. مناطق حفاظت شده گاندو، جنگلی شيله، جنگلی بیرک و جنگلی پوزک، مناطق شکار ممنوع بزمان، بلبل آب نصرت آباد، مک سرخ و پزم، پناهگاه حیات وحش هامون، آثار طبیعی و ملی تفتان و پیرگل خاش ۱۱ منطقه حفاظت شده استان را تشکیل می‌دهد. تمساح پوزه کوتاه، سنجاب بلوچی، خرس سیاه، بز، قوچ، میش، جبیر، آهو و گربه جنگلی از شاخص‌ترین گونه‌های پستانداران و جیرفتی، دراج، زاغ بور، گیلان شاه خالدار، پلیکان خاکستری، بحری، بالابان، هما، عقاب طلایی و عقاب ماهیگیر از مهمترین گونه‌های پرندگان شناسایی شده در مناطق حفاظت شده سیستان و بلوچستان هستند.

مکان های تاریخی و مذهبی

(تنها اسامی این مکان ها در این جزوه آموزشی گردآوری شده است)

• قلعه دوست محمد خان

• قلعه ایرندگان

• قلعه دزک (بلقیس)

• مسجد دزک سراوان

• موزه تاس و کپل دزک (موزه آب)

سراوان

• موزه زنده سفال کلیورگان سراوان

• موزه محلی سراوان

• موزه محلی چابهار

• گل فشان تنگ

• باغ سرو سرجو، سراوان

• قبرستان اسپیدژ

• کوه خضر

• قلعه سرباز

• سد پیشین

• سد زبردان

• مسجد کهنه قلعه



قلعه کنت



قلعه سب (شهرستان سیب وسوران)

(ادامه مکان های تاریخی)

• قلعه چهل دختر

• قبرستان اسپیدژ

• کوه خضر • قلعه سرباز

• کوه بیرک مهرستان (زابلی)

• کوه آتشفشانی تفتان

• قلعه سیب

• بقایای آتشکده کرکویه

• شهر سوخته

• کوه خواجه

• چاه نیمه

(ادامه مکان های

تاریخی)

• تخت عدالت

• زاهدان کهنه

• سه کوهه

• دهانه غلامان

• قلعه رامرود

• گورستان دختران مدانچ

• قلعه خاش



قلعه هریدوک در لاشار

- قلعه مچی
- قلعه سام
- قلعه اسپکه
- قلعه هریدوک
- قلعه چانف
- قلعه مدانچ
- بازارها



تصویری از بازار های بلوچستان

اقوام و مردم بلوچستان



مردم بلوچ یکی از اقوام ایرانی تبار ساکن در پاکستان، ایران، و افغانستان هستند. مردم بلوچ به زبان بلوچی سخن می گویند، که یکی از زبان های شاخه شمال غربی زبان های ایرانی است. بیشتر مردم بلوچ، مسلمان اهل سنت هستند. بلوچستان در قدیم به دو قسمت "سرحد" و "مکران" تشکیل شده بوده که گویش بلوچی در لهجه سرحدی کمی غلیظ تر از لهجه مکرانی است.

برخی منابع جمعیت مردم بلوچ را در حدود ۶۰ میلیون تن برآورد کرده اند. که به طور تخمینی ۱۸ میلیون تن در پاکستان، ۱۱ میلیون تن در ایران، ۵۰۰,۰۰۰ نفر در افغانستان، ۳ میلیون تن در عمان، ۱ میلیون تن در امارات، و سایر آنان در هند، تاجیکستان، ترکمنستان، زنگبار و دیگر کشورها زندگی می کنند.

همچنین برخی دیگر از منابع جمعیت بلوچ ها را ۵۰ میلیون تن تخمین زده اند.

بلوچ ها یکی از اقوام اصیل و شناخته شده ایرانی هستند، که به زبان بلوچی (از نزدیکترین خویشاوندان زبان فارسی) تکلم می کند و بیشترین جمعیت آنان در سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان بسر می برند.

بیشترین جمعیت استان سیستان و بلوچستان را بلوچ ها تشکیل می دهند و بافت اجتماعی آن قبیله ای و طایفه ای است. همه اقوام ایرانی با توجه به اشتراکات فرهنگی دارای خصلت های اجتماعی مشابهی هستند اما در عین حال بخاطر تأثیر پذیری از شرایط خاص محیطی و قومی

خود تفاوت‌هایی نیز در خصلت‌ها، باورها و آداب و رسوم آنها مشاهده می‌شود که ویژگی‌های خاص هر قومی را تشکیل می‌دهد.

بنابراین بلوچ‌ها نیز که از اقوام با سابقه و شاخص ایرانی هستند دارای نوعی فرهنگ و باورهای خاص و متفاوت می‌باشند و ممکن است در ذهن کسی این پرسش مطرح شود که ویژگی‌های قومی-اجتماعی مردم بلوچ کدام است؟

برای روشن شدن این سؤال سعی شده است ابتدا کلیاتی از ویژگی‌های خاص قوم بلوچ بر شمرده شود و سپس چند ویژگی شاخص که این قوم را از دیگر اقوام متمایز می‌سازد بیان شود و برای این کار به روش کتابخانه‌ای عمل شده است.

«بلوچ انسانی آزاده، مهمان نواز، راستگو، ناموس پرست، دلیر و شجاع، سخت کوش و جنگجوست. مردمش به تاثیر از شرایط خاص محیط خویش؛ پردوام و بردبار هستند که با حداقل امکانات زندگی می‌کند.»



و تحمل آنها در برابر مشکلات و سختیها شاید در هیچ یک از طوایف ایران وجود نداشته باشد. در دوستی ثابت قدم و وفادارند و در دشمنی سر سخت و انتقام جو هستند. بلوچ در شترسواری، تیراندازی، شکار کردن، کوهپیمایی، صحرانوردی و پیاده‌روی بی‌نظیر است. بلوچ‌ها برای اسلحه و مرکب سواری خود اهمیتی به سزا قایلند و از این رهگذر در نگهداری و مراقبت آن سخت می‌کوشند.

از قیود زاید و تعارفات اضافی برکنارند و سادگی و بی‌آلایشی در پندار کردار و گفتار آنها هویداست و به قول و قرار خود اهمیت بسیار می‌دهند.

مردم بلوچستان سخت پایبند به اعتقادات مذهبی و دینی خویشند. نماز را به موقع و با جماعت به جای می‌آورند و در سخت‌ترین شرایط روزه می‌گیرند و شکستن روزه را گناهی بزرگ می‌شمارند. اعیاد آنان منحصر به اعیاد مذهبی است و در میان اعیاد مذهبی بیشتر از

همه برای دو عید فطر و قربان اهمیت قایل هستند و با توجه معتقدات مذهبی خود، تشریفات ویژه‌ای برای این دو عید مقرر می‌دارند»

صنایع دستی

از گذشته‌های بسیار دور صنایع دستی در استان سیستان و بلوچستان جایگاهی ممتاز داشته است. آثار کشف شده از هنرهای دستی در بلوچستان گویای قدمت هنرهای دستی این مرز و بوم است. امروز نیز صنایع دستی در این استان از لحاظ تأمین درآمد پس از کشاورزی و دامداری از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و زنان روستایی در کنار خانه داری و کمک به امر کشاورزی و دامداری به ساخت انواع صنایع دستی اشتغال دارند. هنرهای دستی مردم استان عبارت است از: قالی بافی، گلیم بافی، چادر بافی، سفره بافی، حصیر بافی، نمد مالی، سوزن دوزی، سکه دوزی، سفال سازی، خراطی و لنج سازی می‌باشد.

برخی از آثار صنایع دستی بلوچستان عبارتند از:

سوزن دوزی

بدون تردید سوزن دوزی بلوچ را باید در زمره یکی از اصیل‌ترین و جالب‌ترین رشته‌های صنایع دستی کشور به حساب آورد که آوازه شهرتش به فرسنگ‌ها دورتر از این خاک نیز رسیده و مردم بسیاری از نقاط مختلف جهان، بلوچستان را به پشتوانه آن می‌شناسند.

هنر ظریف و پر سابقه‌ای که هیچ‌کس به درستی نمی‌داند از چه زمانی در ایران شروع شده است. آنچه مسلم است تقریباً تمامی زنان و دختران بلوچ که در فاصله سنی چهار تا چهل سالگی (و حتی گاه تا شصت سالگی)، دست اندر کار آن به حساب می‌آیند. در زندگی ساده و به دور از تجمل زنان بلوچ، شاید مهمترین وسیله تزئین لباس همین سوزن دوزی است.

اگر از آنان پرسید از چه زمانی پیراهن خود را سوزن دوزی می‌کنند، آن را وصیت پدران خود می‌دانند و مانند هر هنر قومی نمی‌توانند منشأ آنرا تعیین کنند. سوزن دوزان بلوچ با نقش گل‌ها و بوته‌ها و ترکیب رنگ‌ها، طبیعت رنگین و زیبایی آفریده و جهانی ساخته‌اند که در اندیشه و خیالشان شکل می‌گرفته است. طبیعت را آن چنان که دوست داشته و می‌خواسته‌اند ترسیم کرده‌اند، نه به آن شیوه و شمایی که وجود دارد.



نمونه سوزن دوزی زنان بلوچ

پیراهن بلوچ با چهار قطعه تزئین یافته است که عبارتست از یک قطعه پیش سینه، دو قطعه سرآستین و قطعه دیگر که در زیر پیش سینه به طور عمودی تا پایین پیراهن دوخته می‌شود و جیب یا در اصطلاح محلی «گوپتان» نامیده می‌شود.

سوزندوزی بلوچ به صورت

پیش سینه، جیب، سرآستین، پادامنی، سجاده، نوار، کراوات، کمربند، کوسن، دستمال، رومیزی، پرده، سفره، اشارپ و پارچه کلهمک آباژور ارائه می‌شود. از طرحهای اصیل مورد استفاده در سوزن دوزی بلوچ می‌توان از طرحهای گل سرخ، چشم ماهی و مروارید نام برد. پریوار دوزی و توردوزی نیز از دیگر انواع رودوزیهای بلوچستان است.

سکه دوزی

تنها مورد دیگر تزئین منازل بلوچ و خانواده‌های بلوچ پس از سوزندوزی، سکه دوزی بلوچ است. سکه دوزی را یا به دیوار می‌آویزند و یا جهت تزئین روی رختخواب می‌اندازند و یا در عروسی‌ها به گردن شتر می‌آویزند.

نمونه سکه دوزی بلوچی



به جهت وجوه اشتراک فراوانی که بین اهالی بلوچستان ایران با اقوام ساکن در کشورهای مجاور منطقه از نظر قومی، نژاد، زبان و فرهنگ وجود دارد، شباهت‌هایی هم در هنرهای دستی ساکنین این مناطق وجود دارد که امری کاملاً طبیعی است. بهمین دلیل تشابهاتی بین سکه دوزی بلوچ ایران با محصولات هند و پاکستان وجود دارد.

سفالگری

سفال کلیپورگان سراوان و سفال کوه میتیک سرباز کلیپورگان مرکز تولید نوعی سفال در بلوچستان است که در ۳۰ کیلومتری شهرستان سراوان واقع شده و نوع خاص سفال کلیپورگان در ایران کاملاً مشخص است و شباهتی از نظر تولید و رنگ به سفالهای دیگر مناطق ایران ندارد. سفال کلیپورگان توسط زنان بلوچ و به صورت کاملاً ابتدایی تولید می‌شود. در ساخت

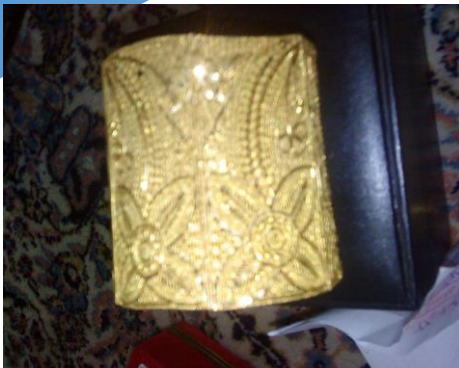
سفال، مردان فقط وظیفه حمل خاک از تپه تا محل سفالگری و آماده کردن گل را به عهده دارند و تمامی مراحل ساخت همان طور که گفته شد توسط زنان انجام می گیرد. گل با دست زنان سفال ساز شکل می گیرد و تراش داده می شود و با سیاه قلم تزیین می شود. نقش ها ساده و هندسی است.



نمونه سفالگری

مصنوعات ساخته شده شامل: دیگ، سینی، کوزه، قلیان، گلدان، لیوان، قوری، مجسمه حیوانات و... است.

زرگری



زرگری و نقره سازی یکی دیگر از هنرهای دستی استان است. در اثر تغییرات زمان و عوامل متعدد دیگر، نقره سازی، جای خود را به طلا سازی داده است. زرگرهای بلوچ از اقوام و طوایف مشخصی هستند که علاوه بر جواهر سازی، انواع زیورآلات زنان بلوچ را با مهارت تهیه می کنند.

زنان بلوچ مانند اغلب زنان مردم ایران از زیورهای بومی استفاده می کنند.

زرگرهای محلی زیورهای طلا و نقره را با نقوش ساده هندسی و نمادین می سازند. این زیورها برای زینت سروگردن و گوش و بینی و دست و پا استفاده می شود. زیورهای بلوچی بیشتر شبیه زینت آلات مردم پاکستان و هندوستان است. دلیلش رفت و آمد زیاد بین ساکنین بلوچستان و قسمت غربی شبه قاره هند و پاکستان است.

غذای خاص مردم بلوچ

غذاهای بلوچی نیز مثل بقیه غذاهای ایرانی اند. با توجه به غلبه دامپروری در منطقه عنصر اصلی و محوری غذاهای این منطقه را گوشت تشکیل می‌دهد. بعد از گوشت این خرماست که برای مردم نقش محوری در تولید خوراکی بازی می‌کند. جالب اینجاست که برخلاف تصور عمومی در دوره کنونی این منطقه محل مناسبی برای کشت برنج است و در مکران برنج نیز به خوبی کاشته می‌شود. نکته‌ای که برخلاف موقعیت جغرافیایی منطقه در رفتار غذایی مردم بلوچستان می‌توان دید این است که این مردم خیلی کمتر از چاشنی‌های تند بهره می‌برند. بلوچستان هم‌چوار با کشور پاکستان است و رفت و آمدهای بسیاری به این کشور و همین‌طور کشور هندوستان وجود دارد اما رنگ و بویی از غذاهای پاکستانی یا هندی در آن دیده نمی‌شود.

به نمونه‌ای از غذای بلوچی می‌پردازیم.

چنگال

چنگال در واقع پذیرایی عشایر بلوچ از میهمانان خود است. آنها از میهمانان خود با چنگال و دوغ پذیرایی می‌کنند. به ویژه در ماه مبارک رمضان این شیرینی - غذا سفره افطار را نیز رنگ و روی می‌بخشد. شاید وجه تسمیه آن از این رو باشد که در تهیه این غذا چنگ زدن عامل اصلی تولید است. مواد اولیه برای تهیه چنگال، آرد، خرما و روغن حیوانی است. بلوچ‌ها ابتدا آرد و آب را مخلوط می‌کنند و در شرایطی که این مخلوط هنوز به خمیر تبدیل نشده است آن را به ضخامت حدود ۱ سانتی‌متر روی تابه می‌اندازند و می‌گذارند تا اندکی خود را بگیرد و بپزد. اگر این مخلوط آب و آرد نازک‌تر شود نانی از آن به دست می‌آید؛ ولی برای چنگال ضخامت یکسانتری متری مناسب است. پس از آنکه این خمیر نیم پز شد آن را بر می‌دارند و به تناسب حجمی که می‌خواهند چنگال درست کنند از این نان نیم پز درست می‌کنند. بعد خرما را در ظرفی دهن گشاد می‌ریزند. نان نیم پز را درون همین ظرف خرد می‌کنند یا به عبارت دیگر تکه تکه می‌کنند.

این دو را با هم ورز می دهند و چمگ می زنند به گونه ای که هسته های خرما از درون آن بیرون می آید و هم می توان هسته ها را جدا کرد و هم نان و خرما را خوب به خورد هم می دهند. این کار تا جایی پیش می رود که دیگر نتوان تشخیص داد نان است یا خرما. حال نوبت افزودن روغن است. برای افزودن روغن آن را با همراه کمی پیاز خرد شده داغ می کنند و قبل از آنکه روغن چنان داغ شود که پیازها بسوزند آن را از روی شعله برداشته و به مخلوط نان و خرما می افزایند تا این مخلوط نرم شود و نه بیشتر. امروزه چنگال را با خلال بادام و پسته تزئین می کنند و بعد برای پذیرایی می آورند.

تنورچه یا ترون چه

تنورچه نیز نام خود را از محل پخت خود گرفته است. تنورچه را معمولاً به دو صورت آماده پذیرایی می کنند. یکی به شکل سیخ زدن گوشت گوسفند و دیگری به شکل کامل کباب شده (قوزی). در هر دو روش نیاز به تنور است. در روش سیخ زدن، گوشت گوسفندی را ذبح و آن را به قطعات درشت خرد می کنند. سپس هر قطعه بزرگ را به سیخی از چوب نخل می کشند. سیخ ها را زمانی در تنور قرار می دهند که ذغال های دورن تنور گداخته و قرمز شده باشند. در این مرحله اگر بخواهند کباب مورد نظر آبدار شود ظرفی از آب را روی ذغالها درون تنور قرار می دهند. سیخ ها را دور تا دور ظرف آب به دیواره تنور ایستاده قرار می دهند. این کار باعث می شود گوشت به اصطلاح بخارپز هم بشود. بعد از این مرحله در تنور را با سینی یا هر وسیله دیگری که مقاوم در برابر حرارت باشد می پوشانند و روی آن را با کاهگل می پوشانند. البته تنور مثل همه تنورها از زیر ورودی هوا دارد و این حالت را بین ۴۵ دقیقه تا ۱ ساعت نگاه می دارند. البته باز هم این زمان به گوشت های به سیخ کشیده شده بستگی دارد. سپس نوبت به صرف آن کباب مخصوص بلوچی می رسد. این کباب را به تنهایی یا با پلوسفید سرو می کنند. در روش دیگر طبخ، یک گوسفند را متناسب با اندازه تنور ذبح کرده و دورن آن را خالی می کنند. پس از آماده شدن گوسفند آن را با نخی مناسب که در برابر حرارت از بین نرود می بندند. سپس آن را درون تنوری که ذغالهایش گداخته است قرار می دهند. باز هم باید در تنور را با کاهگل* بپوشانند و همان زمان را به انتظار بنشینند

*کاهگل تشکیل شده از گل و کاه می باشد

تباهگ

این کار روشی برای نگهداری گوشت بوده است. اینک نیز این روش متداول است. ماحصل این نوع نگهداری هم به تنهایی قابل خوردن است و هم به عنوان گوشت استانبلی بلوچی. معمولاً اواسط پاییز و با رو به سرما گذاشتن هوا گوسفندان را پروار کرده و از یکسو برای گرفتن روغن حیوانی و از سوی دیگر برای تهیه گوشت از آن استفاده می کردند. گرچه اینک نیروی برق و دستگاه های خنک کننده از قبیل یخچال به زندگی همه وارد شده است اما همچنان این کار انجام می گیرد. البته زمان دیگری نیز هست که بلوچ ها برای تهیه تباهگ دست به کار می شوند و آن زمان «عید قربان» است که گوشت قربانی فراوان می شود. در این روش پودر انار و نمک را به گوشت اضافه می کردند و ماحصل آن را بعد از اندکی که نور آفتاب بر آن می تابید درون مشک ریخته و می بستند. این گوشت بعد از مدتی قابل خوردن بود. علاوه بر این همین گوشت را برای تهیه استانبلی بلوچی استفاده می کنند.

دوغ پا

دوغ پا خورشتی با گوشت است که به جای آب برای جانداختن و طبخ آن از دوغ استفاده می شود. این روش نیز متأثر از دامپرور بودن بلوچ هاست. دوغ یکی از فراورده های متداول دامپروران است و در بلوچستان وقتی به میان عشایر و دامپروران بروید در نخستین گام بعد از تعارف آب از شما با شیرشتر یا دوغ به عنوان نوشیدنی پذیرایی می کنند.

ترشیجات یا چتنی

در نیکشهر دختران و زنان هنرمند و خوش ذوق بلوچ به وسیله انبه محلی، انواع ترشی رو تهیه می کنند به طوری که بسیار دلچسب و خوردنیست و ضمن لذیذ بودن. بهداشت نیز در تهیه این ترشی ها کاملاً رعایت می شود. دختران جوان امروزی به کمک مادران خود از انبه محلی چندین نوع ترشی رو هنرمندانه تهیه می کنند.

در منطقه بلوچستان شهرستان نیکشهر در تهیه انواع ترشی انبه زبان زد است.

در زیر طرز تهیه چند نوع از ترشیهایی که توسط زنان هنرمند بلوچ تهیه می‌شود ذکر می‌کنم چَتَنی (نوع پاکستانی): این نوع که به چتنی معروف است نحوه تهیه آن بدین شکل است که آنیه رو همراه با هسته (گدگ) و پوست انبه تکه‌تکه می‌کنند بعد از تکه‌تکه کردن به آن زردچوبه و نمک اضافه می‌کنند و آنرا به مدت ۴ الی ۵ ساعت زیر تابش مستقیم نور خورشید بر روی تگرد (حصیر محلی) پهن می‌کنند.

سپس روغن رو با سیر خرد شده و نمک داغ می‌دهند و می‌جوشانند بعد از داغ شدن روغن شعله گاز رو خاموش می‌کنند تا روغن گرم شده گرمایش را از دست بدهد و کمی سرد شود سپس انبه‌ها را داخل گالون یا پارچه‌های مخصوص می‌ریزند و روغن سرد شده رو به آن اضافه می‌کنند.

بعد از اضافه نمودن روغن دوباره سیر را خرد و ریز کرده و به آن اضافه می‌کنند و همچنین مصالح مخصوص چتنی از نوع پاکستانی رو به آن می‌افزایند و گالون پر شده از انبه و مخلوط‌های مذکور رو به مدت ۴ الی ۵ روز در معرض نور خورشید قرار می‌دهند. این عمل به منظور نرم شدن انبه و هسته آن صورت می‌گیرد.

اوضاع اقتصادی

سیستان و بلوچستان از جهت رشد و توسعه اقتصادی از مناطق در حال توسعه کشور است. زراعت اشکال متعددی دارد و صنعت آبی آن وابسته به رود هیرمند است. صنایع موجود در استان به دو دسته صنایع ماشینی و دستی تقسیم می‌شوند که صنایع ماشینی استان عبارتند از صنایع غذایی، نساجی، پوشاک و صنایع شیمیایی و کارگاه‌های فلزکاری، ریخته‌گری، ساخت لوازم خانگی و تانکرسازی. معادن این استان عبارتند از معادن مس، کرومیت، منگنز، سنگ مرمر، سنگ آهک و غیره.

به دلیل همسایه بودن سیستان و بلوچستان با پاکستان و افغانستان و همچنین وجود تنها بندر اقیانوسی ایران (چابهار) در آنجا، این استان از ظرفیت بالایی برای پیشرفت برخوردار است.

وضعیت تحصیلی استان

نرخ باسوادی در سیستان و بلوچستان ۷۹ درصد می باشد که ۷ درصد پایینتر از میانگین کشوریست. در سال ۹۴، ۲۰۰ هزار کودک و نوجوان در استان سیستان و بلوچستان از تحصیل بازمانده اند و تنها ۵۰ درصد ورودی های مدارس در کسب مدرک دیپلم موفق می شوند، همچنین یک سوم کلاس های مدرسه ها غیراستاندارد می باشد استان برای رسیدن به سطح آموزشی مناسب به ۸۰۰ هزار متر مربع فضای آموزشی و ۸ هزار نیروی انسانی بیشتر محتاج است.

سوالات فصل دوم

- ۱- دلیل نام گذاری و وجه تسمیه بلوچستان به این نام چیست؟
- ۲- در مورد جغرافیای استان سیستان و بلوچستان توضیح دهید؟
- ۳- استان سیستان و بلوچستان دارای چند شهرستان می باشد؟ و مرکز آن کجاست؟
- ۴- در مورد آب هوای استان و معادن و گونه های جانوری مختصرا توضیح دهید؟
- ۵- صنایع دستی بلوچستان را نام برده و یکی را توضیح دهید؟
- ۶- وضعیت اقتصادی در بلوچستان چگونه است ؟
- ۷- وضعیت تمصیلی در بلوچستان چگونه است؟

فعالیت های فصل دوم

در مورد وضعیت معیشتی و کار و بیکاری مردمان بلوچ تمقیق کنید و یک تمقیق به کلاس ارائه دهید.

در مورد مدارس و وضعیت تمصیلی در بلوچستان تمقیق کنید و به عنوان پروژه در کلاس ارائه دهید.

به امید آن روز که بلوچستان من آباد گردد و چون
نگینی در انگشتی کشورم بدرخشد.

پایان

دانشجو: اسلم حسین زهی / کارشناسی علوم تربیتی

دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر بیرجند

Email: A.hosanzahee@yahoo.com

↓
نظرات خود را می توانید به این ایمیل ارسال کنید.

فهرست منابع و مآخذ

۱. مجله یادگار سال سوم شماره ۴ صفحه ۲۲-۲۳
۲. ایرج افشار (سیستانی)، نگاهی به سیستان و بلوچستان، نشر خضرای، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۹۵
۳. جزایر خالدات یا سعادت، شش یا هفت جزیره است که در اقصای مغرب در دریای محیط واقع شده‌اند. فاصله این جزایر از ساحل اقیانوس دویست فرسنگ (۱۲۰۰ کیلومتر) است. جزایر مزبور را "خالدات" نامیده‌اند که ترجمه "جاودان کث" است، زیرا در بیشه‌ها و باغهای آن جزایر، همه نوع میوه‌های لذیذ و شگفت آور یافت می‌شود، بی آنکه کسی آن درختان را کاشته باشد. زمین آنها به جای علف، محصول و به جای خار، همه‌گونه گل‌های معطر رنگین می‌آورد. دو جزیره از آنها به نام "مسفهان" و "لغوش" است. در آنجا عمارتی از سنگ تراشیده‌اند و روی ستونی بلند مجسمه‌ای برنجی نصب شده است و مجوس‌های نصارا از این جزایر آمده‌اند. (تقویم و تاریخ در ایران صفحه ۴۲)
۴. حمدالله مستوفی، "نزهةالقلوب"، به کوشش لستر جن، دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۲، ص ۲۶۲
۵. ابوالفداء "تقویم البلدان"، ترجمه عبدالمحمد آیتی، بنیاد فرهنگ ایران، ص ۳۳ - ۳۲
۶. استاد باستانی پاریزی، در باره "گدروزیا" می‌نویسد: «بعضی نکات هم هست که اندک تسامحی در آن می‌توان یافت؛ مثل کلمه "گدروزیا" که مرحوم پیرنیا، همه جا به پیروی از اروپاییان، آن را بلوچستان و حتی تا بعد از اسلام نیز این ناحیه به نام جردوس (محرّف جدرّوس - گدروز) خوانده می‌شده است.» (محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تلاش آزادی، انتشارات نوین، تهران ۱۳۵۶، ص ۵۵۳)
۷. و.و. بارتولد تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه سردارور (طالب زاده) اتحادیه، تهران ۱۳۰۸، ص ۲۰۳
۸. ایرج افشار (سیستانی)، نگاهی به سیستان و بلوچستان، نشر خضرای، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۹۷
۹. سرپرسی سایکس، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس، ترجمه "حسین سعادت نوری"، لوحه، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۲۴
۱۰. اسماعیل رائین، دریانوردی ایرانیان ج. ۱، انتشارات سکه، تهران ۱۳۵۰، ص ۲۲۳
۱۱. اقبال یغمایی، "بلوچستان و سیستان"، وزارت فرهنگ و هنر، تهران، آبانماه ۱۳۵۵، ص ۱۱
۱۲. ایرج افشار (سیستانی)، نگاهی به سیستان و بلوچستان، نشر خضرای، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۱
۱۳. سرپرسی سایکس، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس، ترجمه "حسین سعادت نوری"، لوحه، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۲۴